

فهرست

3	تقلید
5	ولایت فقیه
6	طهارت
8	احکام وضو
10	احکام غسل
11	احکام بانوان
12	احکام تیمم
13	نماز
14	وقت نماز
15	قبله
16	مکان نمازگزار
17	احکام مسجد
18	لباس و بدن نمازگزار
20	اذان و اقامه
21	واجبات نماز
23	مبطلات نماز
24	نماز قضا
25	نماز جماعت
27	نماز جمعه
28	نماز استیجاری
29	نماز آیات
30	نماز مستحبی
31	نماز مسافر
33	روزه
34	مبطلات روزه
36	روزه قضا
37	کفاره روزه
38	راه ثابت شدن اول ماه
39	روزه مسافر
40	اعتکاف
41	خمس
46	زکات
47	معاملات
49	مشاغل
51	صلح
52	هبه
53	مضاربه
54	رهن
55	دین و قرض

56 احکام افراد نابالغ و عقب افتاده ذهنی.
57 احکام حقوق
59 قوانین دولتی و بیت المال
61 قوانین بانکی
63 ازدواج و طلاق
65 نگاه، پوشش و معاشرت با نامحرم.
68 احکام پزشکی
71 ذبح و صید
72 خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها.
73 وقف و حبس.
75 نذر، عهد و قسم.
76 وصیت و احکام بعد از مرگ.
77 مسائل فرهنگی و اجتماعی.

احکام تقلید

یادگیری احکام

1. اگر شخصی بر اثر نیاموختن احکام، مرتکب حرام یا ترك واجب شود، گناهکار است.

اعمال عامی بدون تقلید

2. اگر اعمال شخصی که اهل تقلید نبوده است موافق احتیاط یا مطابق واقع یا فتوای مجتهدی باشد که وظیفه اش تقلید از او می باشد، محکوم به صحت است.

جاهل قاصر و مقصر

3. جاهل مقصر کسی است که متوجه جهل خود بوده و راه رفع آن را نیز می داند، ولی در آموختن احکام کوتاهی کند. و جاهل قاصر کسی است که متوجه جهل خود نبوده و یا راهی برای رفع آن ندارد.

معیار تعیین موضوعات احکام

4. معیار در تعیین موضوعات احکام، تشخیص خود مکلف و یا اقامه دلیل شرعی بر آن، برای او می باشد.

تکلیف مقلدین مقام معظم رهبری (دام ظلّه)

5. کتاب اجوبة الاستفتائات (احکام عبادات و معاملات به صورت پرسش و پاسخ)، مناسک حجّ و جزوه راهنمای فتاوا (برخی از مواردی که نظر مقام معظم رهبری (دام ظلّه) با فتاوی حضرت امام خمینی (ره) تفاوت دارد) چاپ شده و در دسترس همگان می باشد؛ و در مسائلی که علم به اختلاف فتوا ندارید، می توانید به رساله حضرت امام (قدس سرّه) مراجعه نموده یا به صورت کتبی یا شفاهی و یا از طریق اینترنت استفتا نمایید.

تصدی بیان فتوا

6. کسی که در نقل فتوا گرفتار خطا و اشتباه می شود، جایز نیست متصدی این کار شود.

تقلید اعلم

7. در صورت تعدد فقهای جامع الشرائط و اختلاف آنان در فتوا، بنا بر احتیاط واجب باید از اعلم تقلید شود.

تعریف عادل

8. عادل کسی است که پرهیزگاری او به حدی رسیده باشد که از روی عمد مرتکب گناه نشود.

عدول به مرجع دیگر

9. عدول از مجتهد زنده، به دیگری بنا بر احتیاط واجب جایز نیست، مگر اینکه اعلم یا محتمل الاعلمیه باشد.

تبعیض در تقلید

10. در صورت وجود چند مجتهد مساوی، تبعیض در تقلید مانع ندارد.

تقلید ابتدایی از میت

-
11. تقلید ابتدایی از مجتهد میّت یا بقاء بر تقلید او باید بر اساس تقلید از مجتهد زنده و به احتیاط واجب اعلم باشد.
12. بنا بر احتیاط واجب تقلید ابتدائی از مجتهد متوفی جایز نیست.

بقاء بر تقلید میّت

13. بقاء بر تقلید میت حتی در مسائلی که تاکنون مکلف به آنها عمل نکرده، جایز و مجزی است.

عدول از مجتهد زنده به میّت

14. بقاء بر تقلید میّت تا وقتی که در مسأله‌ای به مجتهد زنده عدول نشده جایز است، ولی پس از عدول، رجوع مجدد به میّت بنا بر احتیاط واجب در آن مسأله جایز نیست.

احکام ولایت فقیه

ولایت فقیه

15. ولایت فقیه به معنای حاکمیت مجتهد جامع الشرایط در عصر غیبت است و شعبه‌ای است از ولایت ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) که همان ولایت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌باشد.

اطاعت از ولی فقیه

16. در مسائل مربوط به اداره کشور اسلامی و اموری که به عموم مسلمین ارتباط دارد، نظر ولی امر مسلمین باید اطاعت شود. ولی در مسائل فردی محض، هر مکلفی باید از مرجع تقلید خودش پیروی نماید.

عدم اعتقاد به ولایت فقیه

17. عدم اعتقاد به ولایت مطلقه فقیه، اعم از این که بر اثر اجتهاد باشد یا تقلید، موجب ارتداد و خروج از اسلام نیست.

اجرای حدود در زمان غیبت

18. اجرای حدود در زمان غیبت واجب است، و ولایت بر آن مختص ولی امر مسلمین می‌باشد.

احکام طهارت

تطهیر فرش با آب لوله‌کشی

19. در تطهیر فرش با آب لوله‌کشی، جدا شدن آب غساله از آن لازم نیست، بلکه بعد از برطرف شدن عین نجاست، به مجرد رسیدن آب به محل نجس و حرکت غساله از جای خود به وسیله کشیدن دست یا چیز دیگری بر فرش در هنگام اتصال آب، طهارت حاصل می‌شود.

تطهیر توسط زمین

20. کسی که بر اثر راه رفتن روی زمین، کف پا یا کفش او با نجاستی تماس یافته و نجس شده است، هرگاه تقریباً به قدر 10 قدم روی زمین خشک و پاک راه برود کف پا یا ته کفشی که نجس شده است پاک می‌شود، مشروط به اینکه عین نجاست برطرف شده باشد.

مطهر نبودن آسفالت

21. زمین آسفالت و یا آغشته به قیر، پاک‌کننده کف پا یا ته کفش نیست.

تطهیر توسط آفتاب

22. تابیدن آفتاب باعث طهارت زمین و همه اشیاء غیر منقول از قبیل ساختمان و چیزهایی که در آن بکار رفته مانند چوب، در، پنجره و مانند آن می‌شود، به شرطی که عین نجاست قبلاً از آنها زائل شده باشد و در موقع تابش آفتاب، تر باشند و به وسیله آفتاب خشک شوند.

داروی الک‌دار

23. اگر انسان بداند الکلی که در دارو به کار رفته است از نوع خوراکی بوده و در اصل مایع و مسکر بوده است، بنا بر احتیاط آن دارو نجس است و اگر نمی‌داند، پاک است.

بقاء رنگ خون

24. اگر بعد از شستن لباس آلوده به خون، عین خون نباشد و فقط رنگ آن باقی مانده باشد، پاک است.

خون تخم‌مرغ

25. لکه خون در تخم‌مرغ پاک است، ولی خوردنش حرام است.

خون منجمد شده در دهان

26. غذایی که با خون منجمد شده در لثه تماس یافته، پاک است و خوردنش اشکال ندارد.

پوستهای کوچک

27. به طور کلی پوست‌های کوچک بدن که موقع افتادنشان رسیده، اگرچه آنها را بکنند پاک است ولی بنا بر احتیاط واجب باید از پوستی که وقت افتادنش نرسیده و آن را کنده‌اند اجتناب کنند.

فضله پرندگان

28. فضله پرندگان - چه حلال گوشت باشند و چه حرام گوشت - پاک است.

اهل کتاب

29. اهل کتاب ذاتاً پاک هستند.

گوشت‌های وارداتی از کشورهای غیراسلامی

30. گوشتی که از کشورهای غیراسلامی وارد می‌شود اگر تذکيه شرعی آن احراز نشود، خوردن آن حرام است ولی از نظر طهارت، اگر یقین به عدم تذکيه آن نباشد، پاک است.

اطلاع دادن از نجس

31. اگر مهمان یکی از ائمه‌های میزبان را نجس کند اطلاع دادن به او در غیر از خوردنی و آشامیدنی و ظرف‌های غذا لازم نیست.

افتادن اشیاء مقدس در چاه توالت

32. اگر مثلاً آیاتی از قرآن یا حرزی که محتوی قرآن است در چاه توالت افتاد فقط برای کسی که برایش شرعاً ثابت شده است، رفتن به آن دستشویی جایز نیست و باید صبر کند تا یقین کند حرز پوسیده شده و از بین رفته است و اما برای آنان که نمی‌دانند، تکلیفی نیست و کسی که حرز را انداخته لازم نیست به دیگران بگوید و اگر عسر و حرج است لازم نیست چاه را تخلیه کنند.

وسواس

33. از نظر شرع مقدس، در طهارت و نجاست اصل بر طهارت و پاکی اشیاء است؛ یعنی در هر موردی که کمترین تردیدی در نجس شدن چیزی حاصل شد، حکم به عدم نجاست می‌شود.

کسانی که دارای حساسیت نفسانی شدیدی در مورد نجاست هستند (به این افراد در اصطلاح فقهی وسواسی گفته می‌شود) حتی اگر گاهی یقین به نجاست هم پیدا کردند باید حکم به عدم نجاست کنند، مگر در مواردی که نجس شدن يك شیء را با چشمان خود ببینند به طوری که اگر فرد دیگری هم آن را ببیند یقین به سرایت نجاست کند فقط در این موارد باید حکم به نجاست کنند. استمرار اجرای این حکم در مورد افراد مزبور تا زمانی است که این حساسیت به طور کلی از بین برود.

احکام وضو

دفعات شستن اعضای وضو

34. شستن صورت و دست‌ها بار اول واجب است و بار دوم جایز و بیش از آن غیرمشروع است. تعیین کننده‌ی بار اول یا دوم یا بیشتر، قصد وضو گیرنده است، یعنی می‌تواند به قصد بار اول، چند مرتبه آب به روی صورت بریزد.

وضوی ارتماسی

35. در وضوی ارتماسی در مورد دست‌ها باید قصد شستن وضوئی آنها هنگام خارج کردن آنها از آب باشد، تا بتوان از این طریق، مسح را با آب وضو انجام داد.

مسح سر

36. مسح سر بنا بر احتیاط باید با دست راست انجام شود، ولی کشیدن مسح از بالا به پایین لازم نیست.

مسح بر موی مصنوعی

37. اگر موی کاشته شده، قابل برداشتن نبوده و یا ازاله‌ی آن مستلزم حرج و مشقت باشد و با وجود موها، امکان مسح بر پوست سر نباشد، مسح روی همان موها، کافی است.

جهل نسبت به مقدار مسح پا

38. شخصی که بر اثر جهل به مسأله، مسح پا را تا برآمدگی روی پا می‌کشیده، اعمالش نسبت به گذشته محکوم به صحت است ولی بعد از این تا مفصل ساق، مسح نماید.

زخم محل مسح

39. شخصی که محل مسح او زخم است اگر نتواند دست‌تر بر آن بکشد باید تیمم کند. ولی اگر بتواند پارچه‌ای روی زخم قرار دهد و بر آن دست بکشد، احتیاط آن است که علاوه بر تیمم، وضو نیز با چنین مسحی انجام دهد.

مانعیّت چربی بدن

40. چربی‌های طبیعی در پوست صورت و موها مانع وضو نیست، مگر به قدری زیاد باشد که مانع رسیدن آب به پوست و مو گردد.

مانع نبودن اثر خالکوبی

41. اگر خالکوبی مجرد رنگ باشد و یا در زیر پوست بوده و بر ظاهر پوست چیزی که مانع از رسیدن آب بر آن شود، وجود نداشته باشد، وضو و غسل و نماز صحیح است.

حرج در رفع حاجب

42. برای غسل و وضو اگر رفع حاجب حرجی باشد، حکم جبیره مترتب است.

وضو قبل از وقت نماز

43. وضو گرفتن برای نماز واجب، اگر نزدیک داخل شدن وقت نماز باشد، اشکال ندارد.

قدرت نداشتن بر حفظ وضو

44. کسی که پی در پی از او باد خارج می‌شود، در صورتی که نتواند وضوی خود را تا آخر نماز حفظ کند و تجدید وضو در اثناء نماز برایش خیلی دشوار باشد، کافی است برای هر نماز یک وضو بگیرد.

وضو با آب‌های خنک داخل مسجدالحرام

45. صحت وضو با آب‌های خنک مسجدالحرام و اطراف آن که به آشامیدن اختصاص داده‌اند، با شك در اباحه آن برای وضو محل اشکال بلکه منع است.

نوشتن کلمات مقدسه بدون طهارت

46. برای نوشتن آیات شریفه و اسامی مقدسه طهارت لازم نیست، ولی برای مسّ آنها طهارت لازم است.

مسّ خط بریل

47. اگر قرآن کریم و اسماء طاهره با خط بریل نوشته شود چنانچه نقاط برجسته، علامت حروف باشد، مسّ آنها بدون طهارت جایز است، ولی اگر در نظر عرف آگاه، نوعی خط محسوب شود در مسّ آنها رعایت احتیاط لازم است.

مسّ «بسمه تعالی»

48. مسّ «بسمه تعالی» حکم مسّ لفظ جلاله را ندارد.

مسّ همزه و چند نقطه (...)

49. مسّ همزه و چند نقطه (...) که به جای لفظ جلاله نوشته می‌شود حکم مسّ لفظ جلاله را ندارد.

مسّ آرم جمهوری اسلامی

50. اگر آرم جمهوری اسلامی در نظر عرف، اسم جلاله محسوب شود، مسّ آن بدون طهارت جایز نیست.

احکام غسل

جنابت زن بدون مقاربت

51. اگر زن بدون مقاربت به اوج لذت برسد و در آن حال از او رطوبتی خارج شود آن رطوبت منی بوده و موجب جنابت می‌گردد ولی سایر ترشحات پاک می‌باشد و در صورت شك نیز حکم جنابت را ندارد.

رطوبت مشکوک در مردان

52. رطوبتی که در خواب یا بیداری از مرد خارج می‌شود اگر همراه با شهوت و جستن و سست شدن بدن باشد، حکم منی را دارد ولی اگر حتی یکی از این علائم را نداشته باشد و یا مورد شك باشد، حکم منی را ندارد مگر آنکه از راه دیگری یقین به منی بودن آن پیدا کند.

خواندن سوره‌های عزائم در حالت جنابت

53. خواندن آیاتی که سجده واجب دارند، بر جنب حرام است ولی خواندن سایر آیات از این سوره‌ها اشکال ندارد.

عبادت با غسل باطل

54. کسی که غسل را مدتی باطل انجام می‌داده مثلاً رعایت ترتیب را نمی‌کرده تمام نمازهایی که در حال حدث اکبر خوانده باید قضا کند ولی چنانچه معتقد بوده که غسلش صحیح است روزه‌هایش محکوم به صحت می‌باشد.

حدث اصغر در اثناء غسل

55. حدث اصغر در اثنای غسل به صحت غسل ضرر نمی‌رساند و لازم نیست که غسل را از نو شروع کند، ولی چنین غسلی کفایت از وضو برای نماز و سایر اعمال مشروط به طهارت از حدث اصغر نمی‌کند.

شستن موها در غسل

56. بنا بر احتیاط واجب هنگام غسل باید تمام موها شسته شود.

کفایت يك غسل از چند غسل

57. کسی که غسل‌های متعددی اعم از واجب یا مستحب بر ذمه او باشد، اگر به نیت همه آنها یک غسل بجا آورد، کافی است؛ و نیز اگر در بین آنها غسل جنابت باشد و به نیت آن غسل کند، از بقیه غسلها کفایت می‌کند. اگر چه احتیاط این است که همه آنها را نیت نماید.

جهل به وجوب غسل

58. کسی که به خاطر جهل به وجوب غسل، مدتی در حالت جنابت بوده است قضای نمازهایی که در حال جنابت خوانده است بر او واجب می‌باشد و نیز قضای روزه هم در صورتی که می‌دانسته جنب است ولی جاهل به وجوب غسل برای روزه گرفتن بوده است، بر او واجب است.

احکام بانوان

خون قبل از ۱۴ سالگی دختر

59. خونی که دختر قبل از ۱۴ سالگی ببیند علامت شرعی بلوغ دختر نیست و حکم حیض را ندارد هرچند صفات آن را داشته باشد.

خون زن با برداشتن رحم

60. اگر رحم زنی را در اثر بیماری و عمل جراحی برداشتنند و خون ببیند اگر خون جراح باشد مثل سایر خون‌هایی است که از جراحات می‌باشد و در غیر این صورت ممکن است خون حیض و یا استحاضه باشد.

غسل جنابت در زمان حیض

61. صحت غسل جنابت در حال حیض مورد اشکال است.

استحباب برخی از عبادات در موقع نماز برای حائض

62. مستحب است زن حائض در وقت نماز، خود را از خون پاک نماید و پنبه و دستمال را عوض کند و وضو بگیرد و در جای نماز رو به قبله بنشیند و مشغول ذکر و دعا و صلوات و تلاوت قرآن شود و در این وقت تلاوت قرآن مکروه نیست.

احکام تیمم

مقدار واجب مسح در تیمم

63. در مسح پیشانی هنگام تیمم باید کف دست تا سر انگشتان بر پیشانی کشیده شود و نیز نسبت به پشت دست، باید مسح دست تا سر انگشتان باشد.

طهارت اعضاء تیمم

64. بعید نیست که طهارت اعضاء تیمم شرط نباشد، ولی احتیاط این است که در صورت امکان پیشانی و پشت دست‌ها پاک باشد.

اشیایی که تیمم بر آنها صحیح است

65. تیمم بر آنچه از زمین محسوب شود مانند سنگ گچ و سنگ آهک، صحیح است. و بعید نیست که تیمم بر گچ و آهک پخته و آجر و امثال آنها نیز صحیح باشد.

شك در کفایت وقت برای غسل یا وضو

66. اگر انسان نداند فرصتی که از وقت نماز باقی مانده است به اندازه نماز با غسل یا وضو هست یا نه، باید تیمم کند و نمازش را بخواند.

تکرار تیمم بدل از غسل

67. شخص جنبی که از غسل کردن معذور است، پس از آن که تیمم بدل از غسل جنابت کرد اگر حدث اصغری از او سر بزند، تا زمانی که عذر شرعی مجوز تیمم باقی است بنا بر احتیاط واجب باید برای اعمال مشروط به طهارت، تیمم بدل از غسل نماید و وضو هم بگیرد، و اگر معذور از وضو باشد باید تیمم دیگری بدل از وضو نماید.

معذور از وضو و تیمم

68. کسی که نه وضو برایش ممکن است و نه تیمم، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را در وقت بدون وضو و تیمم بخواند و بعد از وقت با وضو یا تیمم قضا کند.

احکام نماز

حضور قلب در نماز
69. به کتب مربوطه از جمله اسرار الصلوة حضرت امام «قدس سره» مراجعه شود.

وقت نماز

دخول وقت

70. هر زمان که انسان اطمینان به دخول وقت پیدا کرد می‌تواند نماز بخواند.

اعلام اوقات شرعی از طریق جدول‌ها و رسانه‌ها

71. اگر از زمان اعلامی توسط جدول‌ها و رسانه‌های گروهی اطمینان به دخول اوقات شرعی پیدا شود کافی است، در غیر این صورت باید صبر شود تا اطمینان حاصل گردد.

شب‌های مهتابی

72. فرقی بین شبهای مهتابی و غیر مهتابی در طلوع فجر، وقت فریضه صبح و وجوب امساک برای روزه گرفتن نیست، هرچند احتیاط در این زمینه خوب است.

وقت نماز عصر

73. وقت نماز عصر تا غروب آفتاب است.

خواندن نماز برخلاف ترتیب

74. شخصی که نماز عصر را پیش از نماز ظهر و یا نماز عشا را پیش از نماز مغرب خوانده چنانچه بر اثر اشتباه و غفلت بوده و بعد از تمام شدن نماز متوجه شود، نمازش صحیح است و اگر عمداً بوده، باطل است.

قبله

تشخیص قبله

75. نمازگزار، باید علم به جهت قبله داشته باشد و شهادت دو فرد عادل که از روی نشانه‌های حسی شهادت دهند نیز کفایت می‌کند و اگر این دو ممکن نبود، تمام تلاش خود را به کار برده و طبق گمانی که به دست می‌آورد عمل می‌کند، حال اگر از طریق معتبری، جهت قبله را تعیین و به آن سمت نماز خواند و بعد فهمید اشتباه کرده، در صورتی که انحراف او تا 90 درجه باشد، نمازش صحیح است و اگر بیشتر از این مقدار باشد در صورتی که وقت نماز نگذشته، باید اعاده کند و اگر وقت گذشته، قضا ندارد.

تشخیص قبله از راه قواعد علمی

76. اگر از قواعد علمی اطمینان به جهت قبله حاصل شود کافی است.

اعتماد به قبله نما و محراب مساجد و قبور مسلمین

77. اعتماد به قبله نما در صورتی که موجب اطمینان برای مکلف شود، صحیح است و باید طبق آن عمل گردد، و در غیر این صورت می‌توان بر اساس محراب مساجد و قبور مسلمین جهت قبله را تشخیص داد.

مکان نمازگزار

فاصله زن و مرد

78. بنا بر احتیاط واجب لازم است بین زن و مرد در حال نماز، حداقل یک وجب فاصله باشد که در این صورت اگر زن محاذی مرد یا جلوتر از مرد باشد، نماز هر دو صحیح است. رعایت این احتیاط در مسجدالحرام لازم نیست.

سجاده و مهر منقش

79. نماز روی سجاده منقش و سجده بر مهر منقش فی نفسه اشکال ندارد، ولی اگر به گونه ای باشد که بهانه به دست کسانی دهد که تهمت به شیعه می زنند، تولید آن و نماز خواندن بر آن جایز نیست. و نیز اگر موجب تفرق حواس و از بین رفتن حضور قلب در نماز شود، کراهت دارد.

نماز در مکانی که موسیقی پخش می شود

80. در مکانی که موسیقی حرام پخش می شود اگر نماز خواندن مستلزم گوش دادن به موسیقی باشد، توقف در آنجا جایز نیست، ولی نماز محکوم به صحت است.

احکام مسجد

تعریف مسجد جامع

81. مسجد جامع مسجدی است که در شهر برای اجتماع همه اهل شهر بنا شده و اختصاص به گروه خاصی ندارد.

نجس کردن مسجد محو شده

82. مسجدی که به کلی محو شده یا به جای آن بنای دیگری ساخته شده و امیدی هم به بازسازی آن نیست، معلوم نیست که نجس کردنش حرام باشد گرچه احتیاط در نجس نکردن آن است.

اجراء سرود همراه با موسیقی در مسجد و امثال آن

83. اجرای سرودهای انقلابی و مانند آن همراه با نغمه های موسیقی در مکان مقدس و در مناسبتهایی که آن را اقتضا می کند، اشکال ندارد مشروط به اینکه با احترام آن مکان منافات نداشته باشد و در مکانهایی مثل مسجد مزاحم نمازگزاران نباشد، ولی پخش موسیقی لهوی مصلّ عن سبیل الله به طور مطلق جایز نیست.

پخش موسیقی از مسجد

84. مسجد جایگاه خاصی دارد و اگر پخش موسیقی در آن منافی با حرمت مسجد باشد، حرام است، حتی اگر موسیقی غیرحرام باشد.

انجام ورزش و امثال آن در مسجد

85. از انجام ورزش و هر کاری که با قداست و شئون مسجد منافات دارد اجتناب شود.

اطعام عروسی در مسجد

86. غذا دادن به دعوت شدگان در مسجد فی نفسه اشکال ندارد.

ورود کفار به مساجد

87. ورود کفار به مسجد الحرام شرعاً ممنوع است و در سایر مساجد نیز اگر هتک و بی احترامی مسجد شمرده شود، جایز نیست، بلکه در سایر مساجد نیز مطلقاً وارد نشوند.

تخریب مسجد

88. تبدیل و تخریب مسجد جایز نیست، مگر اینکه ضرورت غیر قابل چشم پوشی در بین باشد.

لباس و بدن نمازگزار

نماز در لباس یا مکان متعلق خمس

89. شخصی که در لباسی یا مکانی که خمس به آنها تعلق گرفته و خمسش داده نشده نماز خوانده اگر جاهل به تعلق خمس بوده و یا جاهل به حکم تصرف در آن مال بوده، نمازهایی که خوانده صحیح است.

نماز با کمریند چرمی وارداتی از کشورهای غیر اسلامی

90. کمریندهای چرمی که از کشورهای غیراسلامی وارد می‌شود اگر انسان نداند که چرم طبیعی است یا مصنوعی، پاک است و نماز با آن اشکال ندارد، ولی اگر طبیعی بودن آن احراز شود و شک در این باشد که آیا از حیوانی است که تذکیر شرعی شده یا نه، نجس نیست، ولی نماز با آن باطل است، و در صورتی که نمازهای قبلی را در حال جهل به مسأله خوانده است، قضای آنها واجب نیست.

همراه داشتن پیر پرندگان در نماز

91. پر تمام پرندگان پاک است، ولی در صورتی که پر، از پرندگان حرام گوشت باشد، همراه داشتن آن در نماز موجب بطلان است.

ظاهر شدن موی زن در نماز

92. در صورتی که هنگام نماز، موی زن سهواً ظاهر شود و به مجرد اطلاع آن را بیوشاند، نمازش صحیح است.

پوشش پای زن در نماز

93. زن باید در حضور نامحرم تمام پای خود را در نماز بیوشاند ولی اگر نامحرم نباشد پوشاندن پا تا مفصل ساق لازم نیست.

پوشاندن موهای مصنوعی در نماز و غیره

94. برای زنان پوشاندن موهای مصنوعی در نماز واجب نیست، ولی در برابر نامحرم (چه در حال نماز و چه غیر نماز) بنا بر احتیاط واجب باید آن را بیوشانند.

نماز با حلقه طلا برای مردان

95. به دست کردن حلقه و انگشتر طلا برای مردان حرام است و بنا بر احتیاط واجب نماز با آن باطل است.

طلای سفید برای مردان

96. اگر جنس طلای سفید، طلا باشد که بر اثر مخلوط کردن ماده‌ای رنگ آن سفید شده است استفاده از آن برای مردان حرام است ولی اگر جنس آن پلاتین است یا عنصر طلا در آن به قدری کم است که عرفاً به آن طلا نمی‌گویند، مانع ندارد.

روکش طلا برای دندان مردان

97. گذاشتن روکش طلا یا پلاتین روی دندان برای مردان اشکالی ندارد، ولی پوشاندن دندانهای جلو با طلا اگر به قصد زینت باشد، خالی از اشکال نیست.

لباس شهرت

98. لباس شهرت لباسی است که پوشیدن آن برای شخص به خاطر رنگ یا کیفیت دوخت یا مندرس بودن آن و یا علل دیگر مناسب نیست به طوری که اگر آن را در برابر مردم بپوشد توجه آنان را به خود جلب نموده و انگشت‌نما می‌شود پوشیدن چنین لباسی بنا بر احتیاط واجب جایز نیست، ولی نماز خواندن با آن اشکال ندارد.

اذان و اقامه

شهادت ثالثه

99. گفتن «أشهد أنّ علياً ولي الله» در اذان و اقامه به عنوان شعار تشیع خوب و مهم است و باید به قصد قربت مطلقه گفته شود، ولی جزو اذان و اقامه نیست.

پخش اذان از بلندگوی مسجد و غیر آن

100. پخش اذان، به نحو متعارف، برای اعلام وقت نماز، به وسیله‌ی بلندگو، اشکال ندارد ولی پخش آیات قرآنی و دعا و غیر آن اگر موجب اذیت همسایگان شود، جایز نیست.

واجبات نماز

کیفیت خواندن قرائت نمازهای جهریه برای زنان

101. زن‌ها می‌توانند حمد و سوره نمازهای صبح، مغرب و عشاء را بلند یا آهسته بخوانند، ولی اگر نامحرم صدایشان را بشنود بهتر است آهسته بخوانند.

غلط در نماز

102. شخصی که کلمه یا اعراب یا حرکتی را در نماز غلط می‌خواند اگر عامد یا جاهل مقصر باشد، نماز باطل است، و الا صحیح است. البته اگر نمازهای گذشته را با اعتقاد به صحّت، به صورت مذکور خوانده باشد، در هر صورت قضای آنها واجب نیست.

مقصود از ذکر

103. هر عبارتی که متضمن ذکر خداوند عزّ و جلّ باشد، ذکر محسوب می‌شود و صلوات بر محمد و آل محمد (علیهم افضل صلوات الله) از بهترین ذکرهاست.

قصد سوره معین هنگام گفتن بسم الله

104. در نماز لازم نیست بسم الله الرحمن الرحیم به نیت سوره معینی گفته شود.

سجده و تیمم بر سیمان و موزائیک

105. سجده و تیمم بر سیمان و موزائیک اشکال ندارد، گرچه احوط ترک تیمم بر آنها است.

سجده بر دستمال کاغذی

106. اگر دستمال کاغذی از چوب یا گیاه - غیر از پنبه و کتان - ساخته شده، سجده بر آن مانع ندارد.

سجده بر فرش در مساجد اهل سنت

107. در مساجد مکه و مدینه اگر با فریضه تقیّه منافات نداشته باشد باید بر چیزی که سجده بر آن صحیح است سجده کرد.

مانعیّت چرک روی مهر

108. اگر چرک روی مهر به قدری باشد که بین پیشانی و مهر حائل باشد، سجده و نماز باطل است.

زیاد کردن سجود

109. شخصی که متوجه شده پیشانی‌اش به‌طور کامل روی مهر نیست و سر را بلند کرده و دوباره روی مهر گذاشته اگر این عمل در اثر جهل یا فراموشی و فقط در یکی از دو سجده یک رکعت بوده، نمازش صحیح است ولی اگر با علم و عمد بوده و یا در دو سجده یک رکعت بوده، نمازش باطل است.

برخورد مکرر پیشانی به مهر

110. اگر موقع سجده، پیشانی بدون اختیار دو مرتبه به مهر برخورد کند، یک سجده محسوب می‌شود.

شنیدن آیه سجده از رادیو و امثال آن

111. با شنیدن آیه سجده از ضبط صوت یا صدا و سیما، سجده واجب می شود.

مبطلات نماز

خنده در نماز

112. خنده با صدا (قهقهه) در صورتی که عمداً باشد، نماز را باطل می‌کند.

کم و زیاد کردن جاهلانه اجزای نماز

113. اگر شخصی به واسطه ندانستن مسأله چیزی از اجزاء نماز را کم یا زیاد کند اگر آن جزء رکن نباشد و او در یادگیری مسأله کوتاهی نکرده باشد نمازش صحیح است و اگر در یادگیری مسأله کوتاهی کرده، بنابر احتیاط واجب نماز باطل است.

دعای غیر عربی در نماز

114. دعا به زبان فارسی و یا هر زبان دیگر در نماز مانعی ندارد، خواه نماز واجب باشد یا مستحب و خواه در قنوت باشد یا غیر قنوت.

نماز قضا

ترتیب در قضای نماز

115. در نماز قضا رعایت ترتیب لازم نیست، آری ترتیب بین ظهر و عصر و نیز بین مغرب و عشاء از یک روز باید رعایت شود.

شک در مقدار نماز و روزه قضا

116. قضای نمازها و روزه‌هایی که انسان یقین دارد پس از رسیدن به سن بلوغ شرعی نخوانده است، واجب است و نسبت به مقدار مشکوک وظیفه‌ای ندارد.

نماز قضای پدر و مادر

117. قضای نماز و روزه پدر بر پسر بزرگ واجب است و نیز بنا بر احتیاط واجب قضای نماز و روزه مادر بر او واجب است.

118. در صورتی که پسر بزرگ، قبل از اینکه قضای نماز و روزه پدر و مادر فوت شده خود را انجام دهد بمیرد، قضای مذکور بر پسر یا برادر او واجب نمی‌شود.

119. منظور از پسر بزرگ، پسر بزرگی است که هنگام وفات پدر زنده باشد هر چند او - به علت اینکه پسر اول قبل از پدر فوت کرده است - پسر اول پدر نباشد.

120. اگر ترک نماز پدر یا مادر بر اثر طغیان باشد، قضای آنها بر پسر بزرگ واجب نیست. ولی احتیاط در انجام قضای آنها ترک نشود.

نماز جماعت

نماز فرادا هنگام جماعت

121. اگر هنگام برپایی نماز جماعت، خواندن نماز فرادا موجب تضعیف نماز جماعت و اهانت و بی‌احترامی به امام جماعتی که مردم اعتماد به عدالت او دارند، محسوب شود، جایز نیست.

طریق احراز عدالت امام جماعت

122. از هر راهی که اطمینان به عدالت امام جماعت حاصل شود، اگر چه با اقتدای عده‌ای از اهل بصیرت و صلاح باشد، کافی است بلکه حُسن ظاهر نیز کفایت می‌کند و در صورتی که عدالت محرز بوده، شک و تردید فعلی مانع اقتدا نیست.

امامت شخصی که خود را عادل نمی‌داند

123. امامت شخصی که خود را عادل نمی‌داند برای کسانی که او را عادل می‌دانند، اشکال ندارد و جماعت صحیح است و می‌تواند قصد امامت نکند و در این صورت نیز هم نماز او صحیح است و هم نماز مأمومین.

امامت کسی که نمی‌تواند غسل کند

124. شخصی که از غسل معذور است، می‌تواند با تیمم بدل از غسل امام جماعت شود و اقتدا به او اشکالی ندارد.

امامت ناقص العضو

125. اگر دست یا پای شخصی به طور کامل قطع یا فلج شده باشد، امام جماعت شدن او محل اشکال است ولی قطع بعضی انگشتان دست یا پا حتی انگشت شست، مضرّ به امامت جماعت نیست.

امامت زن

126. امامت زن در نماز جماعت فقط برای زنان جایز است.

اقتدا به غیر روحانی

127. با دسترسی به روحانی به غیر روحانی اقتدا نکنند و در صورت عدم دسترسی، اقتدا به غیر روحانی واجد شرایط اشکال ندارد.

اقتدا به امام جماعتی که صحت قرائت او مشکوک است

128. در نماز رعایت نکات و محسنات تجویدی لازم نیست، همین که قرائت امام جماعت نزد اهل لسان صحیح باشد اقتدا به او جایز است و در صورت شک نیز اقتدا صحیح است.

اقتدا به اهل سنت

129. اقتدا به نماز جماعت اهل سنت برای حفظ وحدت اسلامی جایز و صحیح است.

وظیفه مأموم موقع قرائت امام

130. در رکعت اول و دوم نمازهای اخفاتیه واجب است مأموم ساکت باشد و قرائت را ترک کند و مستحب است ذکر بگوید، و در نمازهای جهریه اگر صوت امام ولو همهمه او را می‌شنود واجب است گوش کند و گرنه مستحب است حمد و سوره را بخواند.

جا افتادن سهوی آیه از قرائت امام جماعت
131. اگر امام جماعت آیه‌ای از سوره را نخواند مأموم به نحوی - هر چند با گفتن ذکر یا خواندن آیه - او را متوجه کند و در غیر این صورت باید نمازش را فرادا کند و سوره را بخواند.

نماز جماعت در ادارات

132. با توجه به اهمیت خاص نمازهای یومیه و تأکید زیادی که بر اقامه نماز در اول وقت شده است و با توجه به فضیلت بسیار زیاد نماز جماعت، مناسب است کارمندان روشی را اتخاذ کنند که بتوانند در خلال ساعات کار اداری، نماز واجب را به صورت جماعت در اول وقت و در کمترین زمان بخوانند، ولی باید به گونه‌ای مقدمات این کار را فراهم کنند که نماز جماعت در اول وقت وسیله‌ای برای به تأخیر انداختن کارهای مراجعه‌کنندگان نشود.

بیان احکام و معارف هنگام اقامه نماز در ادارات

133. بیان احکام و معارف و امثال آن در هنگام اجتماع برای نماز در خصوص ماه مبارک رمضان و سایر ایام‌الله مانع ندارد، مشروط به اینکه حقوق مراجعین تضییع نشود.

نماز جماعت دور کعبه

134. در نماز جماعت دور کعبه، نماز کسانی که پشت سر یا دو طرف امام ایستاده‌اند، صحیح است لکن نماز افرادی که روبروی امام قرار دارند، صحیح نیست.

نماز جمعه

وقت نماز جمعه

135. وقت نماز جمعه از اول زوال خورشید شروع می شود و احوط آن است که از اوایل عرفی زوال (حدود یکی دو ساعت بعد از زوال) نماز جمعه به تأخیر نیفتد.

نماز جمعه مسافر

136. نماز جمعه از مأموم مسافر صحیح و مجزی از نماز ظهر است.

اقتدا نماز دیگر به نماز جمعه

137. اقتداء غیر از نماز جمعه به نماز جمعه مورد اشکال است.

درک قسمتی از نماز جمعه

138. اگر مأموم حتی رکوع آخر نماز جمعه را درک کند صحیح و مجزی است.

نماز استیجاری

ترتیب در نماز استیجاری

139. در نماز استیجاری، خواندن چند ماه نماز صبح و سپس چند ماه نماز ظهر و عصر و پس از آن چند ماه نماز مغرب و عشاء مانع ندارد مگر آن که در اجاره ترتیب خاصی معین شده باشد.

نماز آیات

وجوب نماز آیات

140. وجوب نماز آیات مختص کسانی است که در شهر وقوع حادثه و یا شهر متصل به آن - به طوری که عرفاً یک شهر محسوب شوند - زندگی می کنند.

پس لرزه

141. هر زلزله ای، چه شدید و چه خفیف، اگر زلزله مستقلاً محسوب شود، نماز آیات جداگانه ای دارد.

نماز مستحبی

شك در ركعات نماز نافله

142. به شك در ركعات نماز نافله اعتنا نمی شود یعنی مختار است كه بناء را بر اقلّ یا اكثر بگذارد مگر اینکه بناء بر اكثر مفسد نماز باشد كه در این صورت بناء را بر اقلّ می گذارد.

نماز مسافر

ابتدا و انتهای مسافت شرعی

143. مسافت شرعی از آخر شهر مبدأ، تا اول شهر مقصد محاسبه می شود.

معیار آخر شهر

144. تعیین آخر شهر موکول به نظر عرف است. اگر در نظر عرف کارخانه ها و شهرک های پراکنده اطراف شهر جزو شهر نباشد، مسافت را از آخر خانه های شهر باید حساب نمود.

حدّ ترخص

145. بنا بر احتیاط، معیار حدّ ترخص جایی است که هم صدای اذان شهر به آنجا نرسد و هم دیوارهای شهر دیده نشود، ولی بعید نیست که شنیده نشدن اذان برای تعیین حدّ ترخص کافی باشد.

تفاوت طریق رفت و برگشت

146. اگر رفتن کمتر از چهار فرسخ باشد و مسیر بازگشت هم به مقدار مسافت شرعی نباشد، نماز تمام و روزه صحیح است، اگرچه مجموع رفتن و برگشتن به اندازه هشت فرسخ شرعی باشد.

وطن

147. به طور کلی شخصی که در محلی به دنیا آمده و در آنجا رشد و نمو کرده است آنجا وطن او محسوب می شود و تا وقتی که از آن مکان اعراض ننموده حکم وطن باقی است و همچنین کسی که به جایی غیر از وطن اصلی خود رفته و قصد زندگی دائمی هر چند برای بخشی از سال در آنجا نموده و با این قصد، مدتی که عرفاً آن محل را وطن او بدانند، در آن مکان زندگی کرده، آنجا وطن او محسوب می شود و نیز اگر بدون قصد آن قدر بماند که عرفاً، آنجا را وطن او بدانند، حکم وطن، مترتب می شود. همچنین اگر کسی بنا دارد به مدت مثلاً هفت هشت سال بطور دائم در جایی به قصد زندگی بماند، آنجا نیز وطن او محسوب می شود.

وطن اصلی و وطن دوم

148. وطن اصلی جایی است که انسان در آن متولد شده و مدتی در آن بوده و رشد و نمو پیدا کرده است. وطن دوم هم جایی است که مکلف آن را برای سکونت دائم، ولو برای چند ماه در هر سال، برگزیده است و یا بنای زندگی در آنجا به مدت هفت، هشت سال داشته باشد.

مدت اقامت برای تحقق وطن جدید

149. کسی که جایی را به عنوان وطن انتخاب می کند، اگر به مقداری که عرفاً صدق کند آنجا را به عنوان وطن اتخاذ کرده است در آنجا بماند، - مثلاً دو سه ماه یا کمتر به نحوی که عرفاً اهل آنجا محسوب شود - آن محل برای او وطن می شود.

اعراض از وطن

150. شخصی که قصد مراجعت به وطن اصلی و زندگی در آنجا را ندارد، بلکه قصد عدم مراجعت دارد از وطن اعراض کرده و آنجا برایش حکم وطن را ندارد.

تبعیت فرزند از والدین در وطن

151. در صورتی که فرزند در اراده و زندگی تابع پدر باشد، وطن پدر، وطن او محسوب می‌شود و اگر با مادر زندگی میکند و تابع اوست وطن مادر، وطن او محسوب می‌شود چه فرزند صغیر باشد یا کبیر.

تبعیت از پدر و شوهر در وطن جدید
152. زن می‌تواند وطن جدید شوهرش را وطن خود قرار ندهد، ولی فرزندان اگر صغیر باشند و در تصمیم‌گیری مستقل نباشند و یا در این مسأله تابع اراده پدر باشند، وطن جدید پدر، وطن آنها هم محسوب می‌شود.

قصد اقامت ده روز و رفت و آمد تا کمتر از مسافت
153. پس از قصد اقامت ده روز و خواندن يك نماز چهار رکعتی رفت و آمد تا کمتر از مسافت شرعی (5/22 کیلومتر) اشکال ندارد لکن اگر از ابتدا تصمیم به رفت و آمد بیش از حدّ ترخص باشد خروج تا کمتر از مسافت شرعی به میزان 6 یا 7 ساعت در مجموع ده روز مانع ندارد.

سفر شغلی
154. اگر در خلال هر ده روز حداقل يك بار برای شغل، سفر انجام شود و این تردد شغلی حداقل دو سه ماه ادامه داشته باشد، نماز در سفرهای شغلی - غیر از سفر اول و دوم در ابتدای شغل - در مبدأ، مقصد و بین راه تمام و روزه صحیح است و در سفرهای شخصی حکم مسافر را دارد، و اگر ده روز یا بیشتر در يك محلّ اقامت شود، در سفر اول شغلی نماز شکسته و بعد از آن تمام است.

مأمور به تحصیل
155. شخصی که از طرف محل کارش مأمور به تحصیل است و هر هفته در این رابطه سفر می‌کند، نمازش تمام و روزه‌اش صحیح است.

وطن بودن محل تحصیل
156. محل تحصیل یا کار، حکم وطن را ندارد مگر آن که آنقدر آنجا بماند که عرفاً وطن او محسوب شود.

عدول در مسأله سفر تحصیلی
157. عدول به مجتهد جامع الشرائطی که سفر برای تحصیل را سفر برای شغل می‌داند و نماز و روزه را تمام و صحیح میدانند اشکال ندارد ولی تبعیض در این مسأله بین نماز و روزه درست نیست.

احکام روزه

نیت روزه

158. وقت نیت برای روزه ماه رمضان و نذر معین، از اول شب تا اذان صبح و برای روزه غیر معین (مانند روزه قضا و نذر مطلق) ، از اول شب تا ظهر روز بعد است و وقت نیت روزه مستحبی، از اول شب شروع شده و تمام روز - تا موقعی که به اندازه نیت کردن به مغرب وقت مانده باشد - ادامه دارد.

159. اگر شب اول ماه رمضان نیت کند که یک ماه را روزه بگیرد، کافی است؛ ولی بهتر است در هر شب روزه فردای آن را نیت کند.

عسر و حرج

160. اگر روزه را تا حدی ادامه دهد که روزه بر اثر تشنگی و گرسنگی برای او حرجی شود و در نتیجه آن را افطار نماید، فقط قضا بر او واجب است و کفاره ای ندارد و در مورد تشنگی احتیاط واجب آن است که در بقیه روز امساک نماید.

خوف ضرر

161. زنی که بترسد روزه برای خودش و یا برای جنینش و یا برای طفل شیرخواره اش به دلیل کم شدن شیر ضرر داشته باشد و خوفش از ضرر، منشأ عقلایی داشته باشد، واجب است روزه را بخورد و اگر بگیرد هم صحیح نیست.

قول پزشک

162. اگر شخصی از گفته پزشک اطمینان پیدا کند که روزه برای او ضرر دارد یا خوف ضرر داشته باشد، روزه گرفتن برای او واجب نیست.

مبطلات روزه

خون لثه

163. اگر خون لثه در آب دهان مستهلک شود پاک است و خوردنش مبطل روزه نیست.

نماز و روزه در حال جنابت

164. نمازهایی را که انسان در حال جنابت خوانده باید قضا نماید و روزه‌ها در صورتی که جاهل به اصل جنابت بوده و اصلاً نمی‌فهمیده جنابت چیست، صحیح است ولی اگر جنابت را می‌دانسته و جاهل به وجوب غسل بوده باید قضای روزه‌ها را به‌جا آورد ولی کفاره بر او واجب نیست.

نسیان غسل جنابت

165. شخصی که در روزه ماه رمضان غسل جنابت را فراموش کرده و با حال جنابت صبح کرده، روزه اش باطل است و قضای روزه ماه رمضان نیز بنا بر احتیاط همین حکم را دارد، ولی در سایر روزه‌ها، روزه بر اثر آن باطل نمی‌شود.

خروج منی بر اثر ملاءبه

166. اگر روزه‌دار بدون قصد بیرون آمدن منی با خود یا دیگری بازی و شوخی کند در صورتی که عادت نداشته باشد که در اثر بازی و شوخی منی از او خارج شود - اگر چه اتفاقاً منی بیرون آید - روزه او صحیح است ولی اگر شوخی را ادامه دهد تا آنجا که نزدیک است منی خارج شود و خودداری نکند تا خارج گردد روزه اش باطل است.

حیض شدن در اثنای روزه نذری

167. اگر زنی در اثنای روزه نذری معین حائض شود روزه اش باطل می‌شود و قضای آن بعد از طهارت واجب است.

غرغره روزه‌دار

168. اگر هنگام غرغره، آب از حلق به پایین رود، روزه باطل می‌شود.

فرو بردن خلط

169. فرو بردن خلط تا به فضای دهان نرسیده اشکال ندارد و اگر به فضای دهان رسیده بنا بر احتیاط واجب نباید فرو برد و اگر عمداً فرو برد بنا بر احتیاط قضا و کفاره بر او واجب می‌شود.

دخانیات

170. روزه‌دار به احتیاط واجب باید از انواع دخانیات خودداری کند و در صورت اضطرار، وجوب روزه ساقط نیست.

تزریق آمپول

171. احتیاط واجب آن است که روزه دار از استعمال آمپول‌های مقوی یا مغذی یا آمپول‌هایی که به رگ تزریق می‌شود و نیز انواع سرم‌ها و تزریق خون خودداری کند ولی آمپول‌های دارویی که در عضله تزریق می‌شود و نیز تزریق آمپول برای بی‌حس کردن اشکال ندارد.

غسل ارتماسی بر اثر فراموشی یا غفلت

172. اگر شخصی بر اثر فراموشی و غفلت از روزه‌دار بودن غسل ارتماسی کند، غسل و روزه او صحیح است.

افطار قبل از وقت به خاطر تقیه

173. تبعیت از دیگران در افطار روزه قبل از احراز وقت جایز نیست، و اگر از موارد تقیه باشد افطار جایز است، ولی روزه آن روز قضا دارد.

افطار قبل از حدّ ترخص

174. مسافری که به خاطر جهل به مسأله، قبل از رسیدن به حدّ ترخص افطار کرده روزه‌اش باطل، و قضائ آن واجب است ولی اگر از حکم مسأله غافل بوده، کفاره ندارد.

جاهل به مفطر

175. شخصی که نمی‌دانسته چیزی مثل خوردن دارو روزه را باطل می‌کند و آن را انجام داده، قضای روزه بر او واجب است ولی کفاره ندارد.

روزه قضا

قضای روزه پدر

176. اگر پسر بزرگ بداند که پدرش روزه قضا داشته و نداند انجام داده یا نه، باید انجام دهد.

177. شخصی که هم خودش روزه قضا دارد و هم قضای پدر بر اوست، هر کدام را بخواهد می‌تواند اول انجام دهد.

نذر روزه گرفتن با داشتن روزه قضا

178. شخصی که قضا رمضان دارد می‌تواند نذر روزه کند به شرط آن که قصدش این باشد که روزه نذری را بعد از قضا رمضان بگیرد.

تأخیر قضای رمضان

179. اگر قضای روزه ماه رمضان را به علت استمرار عذری غیر از مریضی که مانع روزه گرفتن است، تا ماه رمضان سال آینده به تأخیر انداخته باشد، گرفتن قضای روزه کافی است اگر چه احتیاط در جمع بین قضا و دادن فدیة (یک مدّ طعام) می‌باشد، ولی اگر عذر، مریضی باشد قضا ساقط است ولی فدیة واجب است.

کفاره روزه

افطار با حرام

180. شخصی که با چیز حرام روزه‌اش را باطل کرده، کفاره‌اش شصت روز روزه و یا اطعام شصت مسکین است و احتیاط مستحب انجام هر دو است.

کفاره افطار عمدی در ماه رمضان

181. فردی که در ماه مبارک رمضان از روی علم و عمد روزه‌ی خود را نگرفته یا آن را باطل نموده باید 60 روز روزه بگیرد (که 31 روز آن پی در پی باشد) و یا 60 فقیر را اطعام نماید.

ناتوانی در ادای کفاره افطار عمدی

182. شخصی که کفاره به عهده اوست اگر هیچ یک از وظایفی را که مخیر میان آنهاست نتواند انجام دهد باید به هر تعداد فقیر که قادر است غذا بدهد و احتیاط آن است که استغفار نیز بنماید و اگر به هیچ وجه قادر بر دادن غذا به فقرا نیست فقط کافی است که استغفار کند یعنی با دل و زبان بگوید: استغفر الله (از خداوند بخشایش می‌طلبم)

قدرت یافتن بعد از عجز از پرداخت کفاره

183. شخصی که قادر به کفاره روزه نبوده و به استغفار اکتفا کرده ولی بعداً قدرت پیدا می‌کند کفاره بر او واجب نیست ولی احتیاط مستحب در انجام دادن کفاره است.

دادن کفاره روزه به سیّد

184. دادن کفاره روزه به سیّد مانع ندارد ولی بهتر (احتیاط مستحب) است که داده نشود.

راه ثابت شدن اول ماه

رویت هلال با چشم مسلح
185. دیدن هلال با چشم مسلح کافی است.

اتحاد افق
186. مقصود از اتحاد افق شهرهایی است که از جهت احتمال رؤیت هلال و عدم احتمال آن یکسان باشند و اتحاد افق در رؤیت هلال شرط است.

روزه مسافر

روزه مستحبی در سفر

187. روزه مستحبی در سفر جایز نیست؛ مگر در مدینه طیبه که می تواند برای برآمدن حاجت سه روز، روزه مستحبی بگیرد و بنا بر احتیاط لازم است چهارشنبه و پنج شنبه و جمعه باشد.

احکام اعتکاف

مکان اعتکاف

188. اعتکاف در مسجد جامع و غیر جامع رجائاً اشکال ندارد.

احکام خمس

سال خمسی و کیفیت محاسبه خمس

189. سال خمسی، قراردادی نیست بلکه يك امر قهری و واقعی است یعنی تاریخ دریافت اولین درآمد، ابتدای سال خمسی هر مکلفی است و در هر سال همان روز سر سال خمسی او می‌باشد و آنچه از درآمد بین سال در زندگی مورد نیاز بوده و در حد شأن صرف شده خمس ندارد و آنچه تا سر سال خمسی باقی مانده، به اضافه جنس‌های مصرفی (از قبیل برنج، نخود و امثال آن) که تا آخر سال مصرف نشده و چیزهای خریداری شده که مورد نیاز نبوده یا بیش از حد شأن بوده، متعلق خمس هستند و سر سال خمسی تا مکلف خمس خود را پرداخت نکرده حق تصرف در مال متعلق خمس را ندارد. البته مهریه، ارث، هدیه، عیدی و پاداش، خمس ندارد. با این وجود اگر در محاسبه‌ی خمس مشکلی وجود داشته باشد، می‌توان به دفتر یا یکی از نمایندگان مجاز مقام معظم رهبری (دام ظلّه) در امر وجوهات مراجعه و محاسبه کرد.

سال شمسی یا قمری

190. مکلف مخیر است که سال خمسی خود را شمسی یا قمری قرار دهد.

تغییر سال خمسی

191. تقدیم و تأخیر سال خمسی جایز نیست مگر با اجازه ولیّ امر خمس و بعد از حساب مدت گذشته و مشروط است به اینکه موجب وارد شدن ضرر به صاحبان خمس نشود.

سال خمسی درآمد زن و شوهر

192. بر زن و شوهری که حقوق خود را به طور مشترك در زندگی خرج می‌کنند، واجب است هر کدام سال خمسی مستقلی داشته باشند و خمس باقی‌مانده حقوق خود را بپردازد.

شخصی که چند سال خمس پرداخته

193. شخصی که چند سال است که خمس درآمد سالانه خود را نداده است، باید خمس اموالی را که می‌داند متعلق خمس شده بپردازد و در موارد مشکوک با ولیّ امر خمس یا وکیل او مصالحه کند.

حقوق‌های معوقه

194. حقوق معوقه از درآمد سال دریافت آن محسوب می‌شود و در مقدار زائد بر مخارج آن سال، خمس واجب است.

حق سنوات یا پاداش پایان خدمت

195. پولی که پایان خدمت به افراد داده می‌شود اگر قسمتی از حقوق زمان خدمت نباشد، هبه است و خمس ندارد.

بازخرید

196. وجوه دریافتی بابت بازخرید، خمس ندارد.

حقوق بازنشستگی

197. حقوق بازنشستگی که به کارمند پرداخت می‌شود جزو درآمد سال وصول است که اگر تا سر سال خمسی صرف در مؤونه نشود، خمس دارد.

درآمد کودکان

198. بنا بر احتیاط بر کودکان بعد از رسیدن به سن بلوغ واجب است که خمس منفعت کسب خود را که قبل از بلوغ به دست آورده اند و تا زمان بلوغ بر ملک ایشان باقی مانده است، بپردازند.

سپرده حج

199. اصل سپرده اگر از درآمد کسب بوده و خمس آن داده نشده، خمس دارد اما سود حاصله اگر پیش از سال عزیمت به سفر حج قابل وصول نبوده، جزو درآمد سال وصول محسوب می‌شود که اگر در همان سال، هزینه سفر حج شود، خمس ندارد.

حقوق دریافتی نزدیک سال خمسی

200. اگر کارمندی چند روز زودتر از سال خمسی حقوق خود را دریافت کند و تا سر سال خمسی باقی بماند، خمس آن واجب است.

سرمایه

201. اگر سرمایه به قدری است که با پرداخت خمس آن، درآمد کسب با بقیه آن وافی به هزینه زندگی او نباشد و یا کسب با بقیه آن کسب مناسب شأن عرفی او نباشد، خمس ندارد.

کالایی که افزایش قیمت پیدا کرده و فروخته نشده

202. کالایی که افزایش قیمت پیدا کرده ولی چون مشتری برای خریدش پیدا نشده تا سال خمسی مانده، در این زمان پرداخت خمس افزایش قیمت واجب نیست، ولی اگر مشتری در اثناء سال بوده و مالک به امید سود بیشتر نفروخته تا سال خمسی رسیده، باید سر سال خمسی، خمس افزایش قیمت را بپردازد.

لوازم منزل

203. معیار در عدم تعلق خمس به لوازم منزل، صدق عنوان نیاز به آن مطابق با شأن عرفی مناسب با انسان است، هر چند در طول سال از آن استفاده نشود.

لوازم التحریر و مواد آرایشی

204. باقی مانده از لوازم التحریر و لوازم آرایشی و عطر و ادکلن در صورتی که از درآمد سال تهیه شده باشد و عرفاً مالیت داشته باشد، خمس دارد.

داروهای اضافی

205. اگر خرید داروها جهت استفاده از آن در مواقع نیاز باشد و در معرض احتیاج هم باشد در صورتی که تا سر سال خمسی باقی بماند، خمس ندارد.

خرید وسایل برای آینده

206. اگر تهیه لوازم زندگی برای آینده، عرفاً جزو مؤونه حساب شود، خمس ندارد.

پس انداز برای مخارج ضروری

207. اگر خرید مایحتاج ضروری زندگی برحسب وضع مالی شخص متوقف بر پس انداز درآمد سال باشد، و بنا دارد در آینده نزدیک (تا چند روز بعد از سال خمسی) آن را صرف خرید اشیاء ضروری کند، در این صورت پرداخت خمس پس انداز واجب نیست.

کیفیت محاسبه خمس مغازه

208. شخصی که سال خمسی نداشته و مغازه‌ای را برای کسب و کار خریده کافی است خمس قیمت خرید را بپردازد.

وام
209. وام خمس ندارد، مگر به مقداری که اقساط آن از درآمد بین سال پرداخت شده و سر سال خمسی موجود یا تبدیل به سرمایه شده باشد.

پول قرض داده شده
210. پرداخت خمس پولی که از درآمد بین سال انسان به دیگری قرض داده است، در صورتی که سر سال خمسی قابل وصول نباشد واجب نیست، بلکه هنگام وصول واجب می شود.

پول موجود در صندوق صدقات منازل
211. سر سال خمسی باید خمس پولی که اهل منزل در صندوق صدقات منزل گذاشته اند، پرداخت شود مگر آنکه صندوق از مؤسسه‌ای باشد و با صاحب منزل به نحوی قرارداد شده باشد که قرارداد پول در صندوق برای آن مؤسسه قبض، محسوب شود.

زمین و مصالح ساختمان
212. زمین و یا مصالح ساختمان که انسان برای مسکن مورد نیاز خریده و سال بر آن می‌گذرد اگر صرف در ساخت مسکن شود، خمس ندارد.

ترقی قیمت زمین
213. شخصی که زمینی خریده و قیمتش زیاد شده، خمس قیمت خرید را ضامن است و با فرض تفاوت چشمگیر نسبت به قیمت فعلی، احوط مصالحه در مقدار تفاوت قیمت است و در صورتی که زمین را به قصد تجارت خریده باشد و هم اکنون مشتری داشته باشد باید خمس قیمت فعلی آن را بپردازد.

دادن خمس سال‌های گذشته از درآمد سال جدید
214. شخصی که می‌خواهد خمس سال‌های گذشته را از درآمد امسال بپردازد، باید خمس این درآمد را نیز بپردازد.

خمس و بدهکاری
215. اگر بدهکاری انسان به هزینه‌های زندگی سال خمسی او مربوط باشد از درآمد همان سال کسر می‌شود.

مال خارج شده از مؤونه
216. مالی که از مؤونه خارج شده اگر سرمایه کسب و تجارت شود ترقی قیمت آن پس از فروش، متعلق خمس است، ولی اگر قصد تجارت با آن ندارد تا وقتی آن را نفروخته است خمس ندارد و اگر فروخت احتیاط آن است که خمس آن را بدهد اگرچه بعید نیست عدم وجوب خمس.

هبه و عیدی
217. خمس هبه و عیدی واجب نیست هر چند احوط این است که اگر از مخارج سال زیاد بیاید، خمس آن پرداخت شود.

ارث
218. ارث خمس ندارد، مگر یقین حاصل شود که خمس به آن تعلق گرفته و پرداخت نشده است.

اعطائی بنیاد شهید
219. پول یا چیزی که بنیاد شهید به خانواده‌های شهدا هدیه می‌کند، خمس ندارد.

حقوق جانبازی

220. آنچه که بنیاد امور ایثارگران به جانبازان عزیز هدیه می‌کند اگر در مقابل کار نباشد، خمس ندارد و اگر در مقابل کار باشد چنانچه از مخارج سال اضافه آید خمس دارد و حقوقی که جهت پرستاری به همسر ایشان می‌دهند اگر در قبال کار پرستاری باشد (که اگر پرستاری نکند نمی‌دهند) چنانچه از مخارج سال اضافه آید خمس دارد و در غیر این صورت خمس ندارد.

کمک هزینه تحصیلی

221. کمک هزینه تحصیلی خمس ندارد، مگر اینکه شخص، استخدام شده و در قبال تحصیل، حقوق دریافت نماید.

ترقی قیمت ارث و هبه

222. ارث و هبه و پول فروش آنها خمس ندارد، هرچند قیمت آنها افزایش یافته باشد، مگر اینکه نگهداری آنها به قصد تجارت و زیاد شدن قیمت باشد، که در این صورت پس از فروش بنا بر احتیاط واجب باید خمس ارزش افزوده آن پرداخت شود.

مالی که انسان به دیگری می‌بخشد

223. مالی که انسان به دیگری می‌بخشد اگر به مقداری باشد که عرفاً مناسب شأن او و افرادی مثل اوست و نیز بخشش صوری و به قصد فرار از خمس نباشد، خمس ندارد.

معدن

224. معادنی که دولت استخراج می‌کند خمس ندارد، ولی معادنی که شخصی یا اشخاصی با مشارکت استخراج می‌کنند، بعد از کم کردن مخارج، سهم هر کدام که به مقدار بیست دینار طلا و یا دویست درهم نقره یا معادل قیمت یکی از آن دو باشد، خمس آن واجب است.

یافتن گنج

225. گنجی که شخصی در زمینی که مالک آن است پیدا می‌کند، حکمش تابع مقررات نظام جمهوری اسلامی است.

استفاده از اموال پدری که وجوهات نمی‌دهد یا ربا می‌خورد

226. تا وقتی فرزند یقین به حرمت چیزی که مصرف می‌کند ندارد، استفاده‌اش اشکالی ندارد و تحقیق لازم نیست، ولی اگر یقین به حرمت پیدا کند تصرفش در آن مال جایز نیست مگر اینکه جدایی از خانواده و قطع رابطه با آنان برای او حرجی باشد که در این صورت تصرف و استفاده جایز است ولی ضامن زکات و یا مال دیگران که در اموال مورد مصرف او وجود دارد، می‌باشد.

تصرف در اموال کسی که وجوهات نمی‌دهد

227. تا یقین به وجود خمس و زکات در عین اموال مورد ابتلا نباشد، تصرف در آن اشکال ندارد.

تصرف در اموال میت قبل از پرداخت خمس

228. اگر میت وصیت به پرداخت خمس کند و یا ورثه یقین دارند که میت مقداری خمس بدهکار است، تا خمس او پرداخت نشود، تصرف در اموال او غاصبانه و حرام است و موجب ضمان است.

مصرف خمس در ساخت مسجد و...

229. در حال حاضر، سهمین مبارکین (خمس) برای اداره حوزه‌های علمیه مورد نیاز است؛ برای این‌گونه امور، از وجوه برّیه و کمک‌های مؤمنین استفاده شود.

ارجاع در امر خمس

230. مقلدین مقام معظم رهبری (دام‌ظله) برای روشن شدن وضعیت خمس اموالشان به دفتر مقام معظم رهبری (دام‌ظله) یا یکی از وکلای مجاز معظم‌له در امر وجوه شرعیه مراجعه نمایند.

استمهال

231. اگر برای فردی پرداخت خمس به صورت یکجا امکان ندارد، می‌تواند به دفتر مقام معظم رهبری (دام‌ظله) یا یکی از نمایندگان مجاز ایشان در وجوه شرعیه مراجعه کند و پس از کسب اجازه، خمس خود را به تدریج بپردازد.

بخشش سهمین

232. سهمین مبارکین قابل بخشش نیست.

اجازه برای پرداخت حقوق شرعی

233. در زکات خود انسان می‌تواند آن را به فقرای متدین و عقیف بدهد و پرداخت مظالم بنا بر احتیاط محتاج اذن از حاکم شرع است و در خمس - اعم از سهم مبارک امام (علیه‌السلام) و سهم سادات کرام - واجب است آن را به دفتر مقام معظم رهبری (دام‌ظله) و یا به یکی از وکلای مجاز معظم‌له تحویل دهد و یا در پرداخت آن به مستحقین اجازه بگیرد.

ملاک سیادت

234. اگر چه منتسبین به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از طرف مادر هم از اولاد آن حضرت محسوب می‌شوند، ولی ملاک ترتب آثار و احکام شرعی سیادت، انتساب از طرف پدر است.

احکام زکات

ریختن صدقات واجب و مستحب در صندوق کمیته امداد

235. صدقات مستحبی بهتر است به فقیر عقیف و متدین داده شود و نیز می‌توان آنها را در صندوق صدقات ریخت، ولی صدقات واجب باید توسط خود شخص و یا به وسیله وکیل او به فقرایی که مستحق هستند داده شود و در صورتی که انسان بداند که مسئولین کمیته امداد پول‌های صندوق‌ها را جمع‌آوری کرده و به فقرای مستحق می‌دهند، ریختن آن در صندوق‌های صدقات اشکال ندارد.

جنس زکات فطره

236. لازم نیست زکات فطره از قوت غالب داده شود بلکه اگر از گندم، جو، خرما، برنج و مانند اینها داده شود، کفایت می‌کند.

فطره زن ناشزه

237. فطره زن ناشزه به عهده شوهر است مگر آنکه نان‌خور شخص دیگری باشد.

فطره میهمان

238. میهمانی که فقط شب عید فطر به خانه کسی می‌رود، فطره‌اش به عهده صاحب‌خانه نیست.

239. میهمانی که نان‌خور میزبان محسوب می‌شود اگر زکات فطره خود را با اجازه میزبان و از طرف او بپردازد، از عهده میزبان ساقط می‌شود.

دادن فطره به واجب‌النفقه

240. اگر فرزندان فقیر باشند، پدر و مادر باید مخارج واجب آنان را بپردازند و نمی‌توان چیزی از زکات فطره را بابت مخارج زندگی به آنها داد ولی برای ادای دین و یا مایحتاجی که تأمین آن بر پدر واجب نیست اشکال ندارد.

مصرف زکات فطره

241. مصرف زکات فطره، همان مصرف زکات مال است ولی احتیاط آن است که با وجود فقیر در محل، به مصارف دیگر نرسد.

احکام معاملات

لزوم معامله معاطاتی

242. بین معامله عقدی و معامله معاطاتی در لزوم، تفاوتی وجود ندارد.

تأخیر در پرداخت ثمن

243. در صورتی که در معامله، مشتری ثمن را به موقع پرداخت نکند، فروشنده حق مطالبه مبلغی بیشتر از قیمت معین شده مبیع در معامله را ندارد، ولی در صورتی که بر اثر کوتاهی خریدار در پرداخت پول، قدرت خرید فروشنده و ارزش پول پایین بیاید و وی متضرر شود، احوط این است که با مشتری در مقدار مابه التفاوت مصالحه کند.

گرفتن غرامت به خاطر انصراف از معامله

244. شرط پرداخت مبلغی در صورت انصراف از معامله، اگر در ضمن عقد لازم باشد و یا عقد مبتنی بر آن منعقد شود اشکال ندارد. ولی باید برای این قبیل شرطها که در قیمت مبیع مؤثر هستند مدّت معینی ذکر شود و الا باطل است.

تقلب با غیر مسلمان در معاملات

245. دروغ و فریب و تقلب در معاملات جایز نیست، هرچند طرف مقابل غیرمسلمان باشد.

خیار عیب در صورت ممنوعیت انتقال رسمی

246. اگر بعد از معامله آشکار شود که انتقال رسمی مبیع به دیگری ممنوع است، با فرض این که این امر عرفاً عیب محسوب می شود، موجب ثبوت خیار برای خریدار می گردد.

بیع نسبه

247. باید در بیع نسبه، مهلت پرداخت ثمن معین شود، بنا بر این اگر بدون معین کردن مهلت اقساط ثمن، بیع نسبه صورت بگیرد از اساس باطل است، و اگر زمان پرداخت معین شود و مشتری پرداخت آن را از موعد مقرر به تأخیر بیندازد، معامله صحیح است و مجرد این تأخیر موجب ثبوت خیار برای فروشنده نمی شود.

بیع سلم

248. در بیع سلم، ثمن باید هنگام عقد بیع، نقد باشد و الا بیع از اساس باطل است.

فروش آپارتمان به صورت سلم

249. فروش آپارتمانی که بالفعل موجود نیست به صورت بیع سلم در صورتی که فروشنده صفات آن را به گونه ای بیان کند که رافع غرر باشد اشکالی ندارد. البته باید شرایط بیع سلم رعایت شود. و اگر فروشنده سر موعد معین، توان تحویل دادن را ندارد مشتری حق دارد یا معامله را فسخ نماید و یا صبر نماید تا زمانی که فروشنده آپارتمان را تحویل دهد.

خرید و فروش اسکناس

250. فروش اسکناس به مقدار بیشتر از مبلغ آن اگر به قصد جدی و با غرض عقلایی باشد مثل این که اسکناس ها از نظر کهنه و نو بودن با یکدیگر فرق داشته و یا دارای علامت های مخصوص بوده و یا نرخ آنها با یکدیگر، تفاوت داشته باشد، اشکال ندارد ولی اگر معامله، صوری و برای فرار از ربا بوده و در واقع برای دستیابی به سود پول باشد، شرعاً حرام و باطل است.

تجارت الکترونیکی

251. معامله شرعی حلال با مراعات همه شرایط صحت آن از طریق وسایل الکترونیکی جایز است.

فروش چک

252. فروش چک مدت‌دار به دیگری به کمتر یا بیشتر از مبلغ مندرج در چک جایز است و اشکال ندارد آنچه اشکال دارد و جایز نیست این است که مبلغی از کسی قرض بگیرد و در برابر آن چک مدت‌دار به مبلغ بیشتر از مبلغ قرض به او بدهد این عمل قرض ربوی است و حرام است اگر چه بعید نیست اصل قرض صحیح باشد.

خرید کالاهای شانسی

254. اگر در خرید کالاهای شانسی مثل لُپ لُپ، کالا را به حساب خود کالا می‌خرد اشکال ندارد اگر چه به امید یافتن جایزه باشد.

معاملات پنتاگونا، گلدکوئیست، الماس و مشابه آن

255. این عمل صورت شرعی ندارد و اکل مال به باطل است و جایز نیست.

خرید از شرکت تجاری که اموال آن مخلوط به حرام است

256. خرید کردن از شرکتی که اجمالاً برخی از اموال آن حرام است در صورتی که همه اموال شرکت مورد ابتلای خریدار نباشد، اشکالی ندارد.

استفاده از اموال کسی که مالش مخلوط به حرام است

257. تا یقین به وجود حرام در اموال مورد ابتلا نباشد، تصرف در آن اشکال ندارد.

خرید اجناس غربی

258. اگر خرید کالاهای وارداتی از کشورهای غیراسلامی و استفاده از آنها باعث تقویت دولتهای کافر و استعمارگر که دشمن اسلام و مسلمین هستند، شود و یا قدرت مالی آنها را برای هجوم به سرزمین‌های اسلامی یا مسلمین در سرتاسر عالم، تقویت نماید، واجب است که مسلمانان از خرید و بکارگیری و استفاده از آنها اجتناب کنند.

معامله با شرکت‌های صهیونیستی

259. خرید و فروش هرگونه کالای وارداتی از دولت غاصب اسرائیل حرام است و همچنین خرید و فروش هرگونه کالایی از شرکت‌های صهیونیستی و یا شرکت‌هایی که از سود حاصله کمک به دولت غاصب اسرائیل می‌کنند حرام است.

مشاغل

معاشرت با بهائیت

260. از هرگونه معاشرت با این فرقه‌ی ضالّه‌ی مضلّه، اجتناب شود.

حقوق گرفتن در مقابل تدریس واجب کفایی

261. وجوب تدریس چیزی که یاد دادن آن واجب کفایی است، مانع گرفتن حقوق در برابر تدریس آن نیست، به خصوص اگر دریافت حقوق به خاطر حضور در محل مرکز آموزشی و اداره کلاس باشد.

اجرت گرفتن برای یاد دادن مسائل شرعی

262. هرچند اجمالاً آموزش مسائل حلال و حرام فی نفسه واجب است و اجرت گرفتن در برابر آن جایز نیست ولی گرفتن اجرت برای مقدماتی که اصل آموزش احکام متوقف بر آنها نیست و شرعاً هم بر انسان واجب نیستند مانند حضور در مکان خاص، اشکال ندارد.

دریافت اجرت برای اقامه نماز جماعت

263. گرفتن اجرت در برابر رفت و آمد یا ارائه خدماتی که انجام آنها بر مکلف واجب نیست، اشکال ندارد.

کار در مؤسساتی که سود آنها به دولت کافر می‌رسد

264. کسب درآمد با کارهای مشروع فی نفسه اشکال ندارد هرچند از اموری باشد که درآمد آن به دولت غیراسلامی می‌رسد، مگر زمانی که آن دولت در حال جنگ با اسلام و مسلمین باشد و از نتیجه کار مسلمانان در این جنگ استفاده کند.

کار کردن برای کافر

265. کار کردن برای کافر فی نفسه اشکال ندارد مشروط به اینکه کار حرام و یا خلاف مصالح عمومی اسلام و مسلمانان نباشد.

استعمال، تولید و خرید و فروش مواد مخدّر

266. استعمال مواد مخدّر و استفاده از آنها با توجه با آثار سوءشان از قبیل ضررهای شخصی و اجتماعی قابل ملاحظه‌ای که بر استعمال آنها مترتب می‌شود حرام است و به همین دلیل کسب درآمد با آنها از طریق تولید، حمل و نقل، نگهداری، خرید و فروش و غیر آن هم حرام است.

خرید و فروش گوشت خوک

268. خرید و فروش گوشت خوک برای استفاده‌های غذایی انسان جایز نیست هرچند خریدار مسلمان نباشد، ولی اگر دارای منفعت عقلایی حلال و قابل توجهی مانند استفاده از آن برای تغذیه حیوانات و یا بکارگیری چربی آن در صنعت صابون سازی و مانند آن باشد، خرید و فروش آن اشکال ندارد.

حمل گوشت تذکیه نشده

269. حمل گوشت تذکیه نشده برای کسی که قصد خوردن آن را دارد، جایز نیست اگر چه مشتری آن را حلال بداند.

ساخت و خرید و فروش مواد منفجره

270. ساخت و خرید و فروش و استفاده از ترقه و مواد منفجره در صورتی که موجب آزار دیگران باشد و یا تبذیر مال محسوب شود و یا خلاف قانون و مقررات نظام جمهوری اسلامی باشد، جایز نیست.

خرید و فروش آرد

271. اگر نانوا از طرف دولت مجاز در فروش آرد نباشد، جایز نیست آن را بفروشد و خرید آن هم توسط مردم جایز نمی باشد.

پولی که مأمور خرید دریافت می کند

272. پرداخت مال توسط فروشنده به مأمور خرید جایز نیست و برای مأمور هم دریافت آن جایز نیست و آنچه را دریافت می کند باید به اداره یا شرکتی که مأمور خرید آن است، تسلیم کند.

اجرت دلال منزل

273. دلال حق دارد در برابر راهنمایی و همراهی کردن مشتری برای نشان دادن منزلی که در معرض فروش گذاشته شده، مطالبه اجرت کند، ولی در صورتی که واسطه در انجام معامله نباشد و در این ارتباط نقشی نداشته باشد، حق مطالبه اجرت در برابر تحقق معامله بین فروشنده و خریدار را ندارد و اگر در این زمینه قانون و مقرراتی وجود داشته باشد باید مراعات گردد.

آرایشگری

274. آرایش کردن زنان فی نفسه و اجرت گرفتن در برابر آن به شرطی که به منظور نشان دادن به نامحرم نباشد، اشکال ندارد.

سحر و جادوگری

275. علم سحر و یادگرفتن آن حرام است مگر آنکه به منظور غرض عقلایی و مشروع باشد.

فالگیری

276. فالگیری و گرفتن پول در مقابل آن صورت شرعی ندارد.

دعا نویسی

277. دعا نویسی اگر بر مبنای دعاهای وارده از معصومین (علیهم السلام) باشد و همچنین اخذ وجه در مقابل آن اشکال ندارد.

هیپنوتیزم

278. اگر به منظور غرض عقلائی و با رضایت طرف مقابل و خالی از ضرر قابل توجه بوده و همراه با کار حرام نباشد، اشکال ندارد.

احضار روح و جنّ

279. احضار روح و جنّ اگر برای غرض عقلائی بوده و همراه با امر حرام یا مستلزم آن نباشد اشکال ندارد.

صلح

لزوم صلح
280. اگر صلح به نحو صحیح محقق شود، نسبت به مصالح هم لازم است و اگر برای خودش حق فسخ قرار نداده، حق رجوع از آن را ندارد.

صلح اموال به شرط داشتن حق تصرف
281. اگر شخصی همه دارایی خود را به فرد دیگری صلح کند به این شرط که تا خودش زنده است در آنها اختیار تصرف داشته باشد، صلح مذکور با این شرط محکوم به صحّت و نفوذ است، بنا بر این فرد صلح کننده نه حق فسخ دارد و نه حق انتقال اموال به فرد ثالثی، بلکه فقط می تواند از اموال استفاده کند.

هبه

هدیه نسبت به کفار
282. گرفتن یا دادن هدیه به کفار فی نفسه مانعی ندارد.

مضاربه

شرایط مضاربه

283. عقد مضاربه مختصّ به کارگیری سرمایه در تجارت است و در این عقد شرط است که سهم صاحب سرمایه و عامل، از سود، به صورت کسر مشاع مانند نصف و ثلث و غیره باشد. بلی اگر هر ماه، عامل مبلغی را به عنوان علی الحساب به صاحب سرمایه در ازای سهم سود او بپردازد و در پایان مدّت مضاربه نسبت به سود حاصله با یکدیگر مصالحه نمایند، اشکال ندارد و نیز اگر شرط کنند که در صورت بروز خسارت به سرمایه، عامل ضامن باشد، اشکال ندارد.

مضاربه با اسکناس و کالا

284. مضاربه با اسکناسی که امروزه رایج است، اشکال ندارد، ولی مضاربه با کالا صحیح نیست.

مضاربه در کارهای تولیدی و خدماتی

285. عقد مضاربه فقط مختص به کارگیری سرمایه در تجارت از طریق خرید و فروش است، و استفاده از آن به عنوان مضاربه در زمینه های تولید و توزیع و خدمات و مانند آن، صحیح نیست. لکن مانعی ندارد که این امور را تحت عنوان عقود شرعی دیگر مثل جعاله و صلح و غیرذلک انجام دهند.

مضاربه با بانکها

286. تا زمانی که احراز نشود مضاربه ای که بانک به عنوان وکیل سپرده گذاران ادعای انجام آن را دارد، صوری و به سببی باطل است، آن مضاربه محکوم به صحّت می باشد و سودهای حاصل از آن که به صاحبان اموال می دهد، برای آنان حلال است.

مضاربه فاسده

287. در مضاربه فاسده پس از اینکه صاحب سرمایه معامله را اجازه داد تمام سود مال اوست و عامل هیچ چیزی حتی اجرة المثل را حق ندارد مگر آنکه جاهل به فساد باشد که می تواند اجرت المثل را بگیرد.

رهن

اجرت رهن

288. مرتهن نمی‌تواند برای انبارداری و یا حفظ مالی که به عنوان رهن طلب خود از رهن گرفته، اجرت بگیرد، علاوه بر آنکه این کار حيله‌ای برای گرفتن ربا می‌باشد که آن حرام است.

رهن گذاشتن ملک دیگری

289. اگر مدیون، ملک دیگری را با اذن و اجازه صاحبش بابت دین خود نزد طلبکار رهن بگذارد، اشکال ندارد.

اجاره منزل به شرط قرض

290. رهن کامل منزل جایز نیست، ولی اگر منزل اجاره داده شود و در ضمن عقد اجاره، شرط شود که مستأجر مبلغی را به صاحب منزل قرض دهد، اشکالی ندارد.

دین و قرض

تقاصّ دین

291. اگر بدهکار بدهی خود را انکار کند و یا بدون عذر در پرداخت آن کوتاهی نماید، طلبکار می تواند از اموال او تقاص نماید. البته اگر در این زمینه قانونی وجود داشته باشد باید مراعات گردد.

تعریف ربای قرضی و ربای معاملی

292. ربای قرضی، مقدار اضافه بر مبلغ قرض است که شرط می شود قرض گیرنده به خاطر قرضی که می گیرد به قرض دهنده بدهد. و ربای در معامله عبارت است از فروش کالایی که مکمل و موزون باشد در برابر کالای همجنس آن به مقدار زیادت.

قرض ربوی

293. قرض ربوی حرمت تکلیفی دارد ولی اصل قرض صحیح است و در موارد اضطرار می تواند برای اجتناب از انجام حرام، هنگام قرض کردن، پرداخت ربا را قصد نکند، اگر چه می داند که ربا را از او خواهند گرفت.

معامله صوری

294. اگر شخصی ملک خود را به مشتری بفروشد به شرط اینکه دوباره آن را از او به قیمت بیشتر بخرد، این معامله - چون صوری و وسیله ای برای دستیابی به قرض ربوی است - حرام و باطل است، البته اگر ملک خود را به طور جدّی و به نحو صحیح شرعی و بدون شرط خرید مجدد بفروشد و سپس اقدام به خرید نقدی یا نسبیّه آن به همان قیمت یا بیشتر از مشتری نماید، اشکال ندارد.

کارپردازی برای قرض ربوی

295. هر کاری که به نحوی در عقد قرض ربوی یا در انجام و تکمیل آن و یا در تحویل و دریافت از قرض گیرنده دخیل باشد (مثل کاتب و حاسب و بازرس و ...) ، شرعاً حرام است و انجام دهنده آن کار مستحق دریافت اجرت نیست.

احکام افراد نابالغ و عقب افتاده ذهنی

ملاک ممیز بودن

296. ممیز کسی است که آنچه را عرف، خوب یا بد می داند تشخیص دهد و باید در این رابطه، شرایط زندگی کودک و عادات و آداب و سنت های محلی هم ملاحظه شود و امّا سن تمییز، به تبع اختلاف اشخاص در استعداد و درک و هوش، مختلف است.

تکلیف داشتن شخص عقب مانده

297. معیار توجه تکالیف شرعی به انسان این است که او شرعاً بالغ و از نظر عرف عاقل باشد، ولی درجات درک و هوش معتبر نیست و در این رابطه تأثیری ندارد.

علائم بلوغ

298. علائم بلوغ عبارتند از:

1- روییدن موی خشن بر شرمگاه

2- خروج منی

3- کامل شدن 15 سال قمری در پسر (تقریباً معادل 14 سال و 6 ماه و 17 روز شمسی) ، و 9 سال قمری در دختر (تقریباً معادل 8 سال و 8 ماه و 22 روز شمسی) .

ولایت و حضانت صغیر

299. ولایت شرعی بر صغیری که پدرش مرده است با جدّ پدری اوست، ولی حق حضانتش با مادر او می باشد.

تصرف ولی طفل در هدایای او

300. جایز است ولیّ طفل در لباس یا چیزهایی دیگر مثل اسباب بازی که به طفل هدیه داده شده با رعایت غبطه و مصلحت او هرگونه که صلاح می داند تصرف کند.

احکام حقوق

شکستن قفل سی دی و خرید و فروش آن

301. شکستن قفل سی دی و تکثیر آن بدون اجازه ناشر اصلی بنا بر احتیاط واجب جایز نیست و نیز استفاده و خرید و فروش سی دی تکثیر شده بدون اجازه ناشر اصلی جایز نیست.

تجدید چاپ کتاب

302. مسأله تجدید چاپ کتابهایی که در خارج از جمهوری اسلامی منتشر شده اند و یا تصویربرداری به طریق افست از آنها، تابع قراردادهایی است که راجع به آنها بین جمهوری اسلامی ایران و آن دولتها منعقد گشته است. و اما کتابهایی که در داخل چاپ می شوند، احوط این است که حق ناشر با کسب اجازه از او نسبت به تکرار و تجدید چاپ کتاب رعایت شود.

تکثیر نوار

303. احوط ترک نسخه برداری از نوار بدون اجازه صاحب آن است، ولی اگر بدون اجازه مبادرت به این کار کرد، محو کردن محتوای نوار کافی است.

تصرف پدر در اموال فرزند بالغ خود

304. برای پدر جایز نیست در اموال فرزند بالغ و عاقل خود تصرف کند مگر با اجازه و رضایت او، و تصرف بدون رضایت او حرام و موجب ضمان است مگر در مواردی که استثنا شده است.

بخشش همه اموال به یکی از فرزندان خود

305. اگر بخشش همه اموال به یکی از فرزندان و محروم کردن بقیه آنها، موجب برانگیخته شدن فتنه و اختلاف بین فرزندان شود، جایز نیست.

اطاعت از والدین

306. اطاعت از والدین واجب نیست لکن ایذاء ایشان حرام است، مگر در انجام واجبات و ترک محرمات.

مسئولیت مراقبت از پدر و مادر بیمار

307. مسئولیت مراقبت از شخص بیمار (پدر و مادر) در صورتی که قادر به استخدام پرستار از مال خودش نباشد، به طور مساوی بر عهده همه فرزندان او که توانایی مراقبت از او را دارند، می باشد.

تأدیب کودک

308. تأدیب کودک از ناحیه پدر مثلاً و یا معلم مجاز از طرف ولی طفل، مشروط به آن است که موجب دیه نشود و اگر سیاه یا کبود و یا قرمز شود، دیه لازم می شود.

جبران تصرفات غاصبانه در اموال مردم

309. با صرف نمودن مبلغ مذکور در راه خیر، ذمه‌ی او بری نشده و باید آن را به خودش و یا ورثه‌ی او پرداخت نماید و لازم نیست واقعیت را به آنان بگوید و یا خودش به صورت مستقیم به ایشان بپردازد، بلکه به هر عنوان که پول به آنان رسانده شود، هر چند که در قالب هدیه، عیدی یا غیر آن باشد و یا توسط فرد ثالثی انجام گیرد، کافی است و در صورتی که به هیچ وجه به

صاحب آن یا ورثه‌ی او دسترسی ندارد از طرف ایشان به فقیر صدقه دهد و تنزل ارزش پول را نیز به حساب آورد.

زیاده‌روی در مصرف برق

310. شکی نیست که استفاده و مصرف هر چیز از جمله نیروی برق و نور چراغ، بیشتر از مقدار نیاز، اسراف محسوب می‌شود.

کشتن حشرات و حیوانات موذی

311. اگر حشرات و حیواناتی موذی باشند و یا وجود آنها موجب آلودگی محل زندگی گردد، کشتن آنها اشکال ندارد.

قوانین دولتی و بیت‌المال

زمین‌های اصلاحات اراضی

312. امر زمین‌های اصلاحات ارضی تابع قانون مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت نظام است.

زمین‌مصادره‌ای

313. اگر ملکی به حکم حاکم شرع یا با استناد به قانون جاری دولت اسلامی از مالک قبلی آن گرفته شده باشد و یا سابقه مالکیت شرعی برای مدعی آن ثابت نباشد تصرف در آن متوقف بر اجازه مالک قبلی آن نیست.

اشتغال به کار غیراداری در زمان کار

314. شخصی که موظف است در وقت معینی کاری انجام دهد، حتی در وقت بیکاری هم نباید وقت خود را صرف در کارهایی که مربوط به آنجا نیست بکند، مگر با اذن مسئولی که شرعاً و قانوناً حق اذن دادن داشته باشد.

رشوه و هدیه در محیط کار

315. پرداخت پول یا اموال دیگر از طرف فرد مراجعه‌کننده به کارمندان ادارات که مکلف به ارائه خدمات اداری به مردم هستند و حتماً منجر به فساد ادارات خواهد شد، عملی است که از نظر شرعی حرام محسوب می‌شود و توهّم اضطرار، مجوز انجام این کار نیست.

316. بر کارمندان محترم واجب است که رابطه آنان با همه مراجعه‌کنندگان براساس قوانین و مقررات و ضوابط خاص اداره باشد و قبول هر گونه هدیه ای از مراجعه‌کنندگان به هر عنوانی که باشد برای آنان جایز نیست زیرا باعث فساد و سوءظن به آنان و تشویق و تحریک افراد طمع‌کار به عمل نکردن به قانون و تضییع حقوق دیگران می‌شود. البته در یک صورت، دریافت هدیه جایز است و آن، این است که هدیه‌دهنده بعد از انجام کار و بدون مذاکره و حتی توقع قبلی، با اصرار زیاد و با امتناع کارمند از قبول، آن را اهداء کند. اما رشوه، مسلم است که برای گیرنده و دهنده آن، حرام است و واجب است کسی که آن را دریافت کرده به صاحبش برگرداند و حق تصرف در آن را ندارد.

تقلب و استخدام با مدرک تقلبی

317. تقلب حرام است ولی اگر شخصی که تقلب کرده است تخصص و مهارت لازم را برای کاری که برای آن استخدام شده دارد و مقررات استخدام رعایت شده، استخدام و دریافت حقوق اشکال ندارد.

اضافه کاری

318. نوشتن گزارش‌های غیرواقعی و دریافت پول در برابر ساعات اضافه ای که کاری در آنها انجام نشده جایز نیست و واجب است پول‌های اضافه ای که کارمند مستحق دریافت آنها نبوده، بازگردانده شود، ولی اگر قانونی وجود داشته باشد که به مسئول اداره اجازه دهد تا ساعات اضافه کاری کارمندی را که اضافه کاری انجام داده، دو برابر نماید جایز است این کار را انجام دهد و در این صورت دریافت اجرت توسط کارمند طبق گزارشی که مسئول اداره از ساعات اضافه کاری او نوشته، جایز است.

استفاده شخصی از امکانات دولتی و اموال عمومی

319. استفاده شخصی از امکانات دولتی و اموال عمومی باید طبق قوانین و مقررات مربوطه باشد و برخلاف آن جایز نیست.

مالکیت دولت‌ها

320. اموال دولت هرچند دولت غیراسلامی باشد، شرعاً ملک دولت محسوب می‌شوند و با آن‌ها مانند ملکی که مالک آن معلوم است رفتار می‌شود و جواز تصرف در آن‌ها هم متوقف بر اذن فرد مسئولی است که حق تصرف در این اموال را دارد.

استفاده از آب و برق بدون اجازه و نصب کنتور

321. استفاده از آب و برق سازمان آب و شرکت برق بدون اجازه و نصب کنتور انشعاب از طرف سازمان‌های مربوطه حکم غصب را دارد که حرام و انجام اعمال عبادی با چنین آبی باطل است و در صورتی که خود شخص استفاده‌کننده، غاصب نبوده و نیز از موضوع غصب اطلاع نداشته است، اعمال گذشته او محکوم به صحت می‌باشد، ولی ضامن هزینه آب و برقی مصرفی می‌باشد.

پمپ آب

322. استفاده از پمپ فشار آب به گونه‌ای که آب بیشتری در لوله‌های ساختمان بیاید بدون اجازه از سازمان مربوطه جایز نیست، و وضو و غسل با آبی که به وسیله پمپ به دست می‌آید، محل اشکال است.

قوانین بانکی

عملیات بانکی

323. عملیات بانکی که مطابق قوانین مصوّب مجلس شورای اسلامی و مورد تأیید شورای محترم نگهبان، انجام گیرد، بی‌اشکال است.

سپرده‌گذاری برای گرفتن وام

324. دادن پول به صندوق به این عنوان که آن پول برای مدتی نزد صندوق به صورت قرض بماند، به این شرط که صندوق هم بعد از آن مدت، وامی در اختیار او قرار دهد و یا وام دادن صندوق مشروط به این شرط باشد که او قبلاً مبلغی را در صندوق گذاشته باشد، این شرط در حکم ربا بوده و شرعاً حرام و باطل است، ولی اصل قرض نسبت به هر دو طرف صحیح می‌باشد.

325. اگر بانک برای تشویق مردم به سپرده‌گذاری وعده بدهد که هر کسی تا شش ماه از حسابش برداشت نکند از طرف بانک به او تسهیلات بانکی داده خواهد شد، دادن این وعده و اعطای تسهیلات توسط بانک اشکال ندارد.

وام‌های بانک مسکن

326. پول‌هایی که بانک مسکن به منظور خرید یا ساخت خانه، می‌دهد، عنوان قرض ندارد بلکه آن را طبق یکی از عقود صحیح شرعی مانند شرکت یا جعاله یا اجاره و امثال آن پرداخت می‌کنند که اگر شرایط شرعی آن عقود را رعایت نمایند، اشکالی در صحت آن نیست.

تغییر در مصرف تسهیلات بانکی

327. پول‌هایی که بانک‌ها می‌پردازند غالباً وام (قرض) نیست، بلکه تحت عنوان یکی از عقود اسلامی از قبیل جعاله، مشارکت، مضاربه و امثال آن می‌باشد. بنابراین، گیرنده پول فقط طبق همان قراردادی که منعقد کرده حق تصرف دارد و گرنه تصرف غاصبانه و موجب ضمان است و در صورت تحقق عملی برخلاف قرارداد باید به بانک مراجعه شود تا طبق مقررات اقدام شود.

واگذاری تسهیلات بانکی

328. بانک اگر پولی را تحت یکی از عقود اسلامی به شخصی بپردازد، گیرنده حق واگذاری آن را به دیگری ندارد و تمام تصرفات نفر سوم فضولی است و موقوف به اجازه‌ی بانک پرداخت کننده‌ی وجه است.

مصرف وام قرض‌الحسنه

329. اگر بانک به شخصی پولی را به عنوان قرض‌الحسنه بدهد به شرط اینکه در مورد خاصی مصرف کند، این پول ملک قرض‌گیرنده می‌شود و در هر موردی مصرف کند، صحیح است، اگر چه از نظر حکم تکلیفی واجب است به شرط عمل کند.

فروش وام بانکی

330. اگر بر اساس مقررات بانک، امتیاز دریافت وام یا تسهیلات بانکی قابل واگذاری به غیر باشد، در این صورت واگذاری امتیاز، با مراعات مقررات مربوطه، در برابر دریافت وجه، مانع ندارد.

کارمزد

331. پرداخت دستمزد به بانک و یا صندوق قرض‌الحسنه برای اخذ وام اگر به عنوان اجرت عمل قرض دادن از قبیل ثبت در

دفتر و ثبت سند و سایر مخارج صندوق مانند آب و برق و غیره باشد و به سود وام بازگشت نکند، دادن و گرفتن آن و همچنین دریافت وام اشکال ندارد.

332. کارمزد، به عنوان مخارج صندوق گرفته می‌شود. لذا مسئولین محترم صندوق باید طوری محاسبه کنند که کارمزد به مقدار هزینه‌های جاری صندوق مانند آب و برق و حقوق کارمندان و امثال آن باشد. حال اگر این محاسبه صورت گرفته و احیاناً مبلغی اضافه آمد، مصرف آن بستگی به نظر مسئولین صندوق دارد.

جریمه دیرکرد

333. جریمه دیر کرد اشکال دارد.

گرفتن سود از بانک‌های غیر اسلامی

334. گرفتن سود از بانک‌های دولت‌های غیر اسلامی - چه صاحب بانک اهل کتاب باشد یا مشرک - جایز است حتی اگر شرط دریافت سود کرده باشد.

احکام ازدواج و طلاق

اذن ولی نسبت به ازدواج دختر باکره
335. ازدواج دختر باکره بنا بر احتیاط واجب باید با اجازه پدر یا جد پدری او باشد.

اذن پدر سنی نسبت به باکره
336. اگرچه ازدواج دختر سنی با پسر شیعه و بالعکس مادامی که خوف انحراف در مذهب نباشد جایز است، ولی بنا بر احتیاط واجب در هر صورت اذن پدر در ازدواج دختر باکره شرط است.

سقوط اذن پدر
337. اگر دختر نیاز به ازدواج دارد و خواستگار هم، کفو شرعی و عرفی او می‌باشد و در حال حاضر، خواستگار دیگری که واجد شرایط باشد وجود ندارد، اذن پدر ساقط است.

اذن ولی نسبت به دختری که بکارتش به غیر ازدواج زایل شده
338. کسی که بکارتش از راه زنا یا وطی به شبهه از بین رفته باشد لازم نیست همانند باکره از پدر خود در امر ازدواج اذن بگیرد، لکن احتیاط در اذن گرفتن ترك نشود و اگر به علت دیگری غیر از وطی بکارت او زائل شده باشد بنا بر احتیاط واجب اذن پدر در ازدواج لازم است.

میزان مهریه

339. میزان مهریه بستگی به توافق طرفین دارد و در شرع مقدس اسلام سفارش به تقلیل آن شده و مهرالسنة مستحب است.

مهریه

340. در صورتی که مهریه زن به صورت پول باشد، شوهر نسبت به همان مقداری که عقد بر اساس آن خوانده شده است به همسرش بدهکار است، ولی اگر بر اثر طول زمان، قدرت خرید مبلغ مهریه به اندازه چشمگیری کاهش یافته باشد در مقدار تفاوت، احتیاط در مصالحه است.

تدلیس در ازدواج

341. اگر وجود صفت کمال یا سلامت از عیوب و نقائص، در ضمن عقد، شرط یا دختر توصیف به آن شده باشد و یا قبل از عقد، ذکر گردیده و عقد مبنی بر آن واقع شده باشد و سپس خلاف آن ثابت شود، زوج حق فسخ عقد را دارد و اگر دخول شده و مُدئس (فریب دهنده) زوجه بوده استحقاق مهر را ندارد و اگر مُدئس غیر زوجه بوده، مهرالمسمی (مهریه‌ای که هنگام عقد مشخص شده) را استحقاق دارد و زوج بعد از پرداخت مهر به زوجه، می‌تواند به مُدئس رجوع و از او اخذ نماید.

روابط زن و شوهر در دوران عقد

342. پس از خوانده شدن عقد نکاح، هرگونه استمتاع بین زن و شوهر جایز است مگر آنکه با توافق طرفین یک نوع استمتاع خاص ممنوع و موکول به شب زفاف شده باشد که در این صورت مرد باید به شرط خود پایبند باشد.

نفقة همسر

343. زوجه از باب نفقه بیش از مسکن و لباس و غذای متعارف و متناسب با شأن خودش و هزینه درمان‌های متعارف، حق

مطالبه چیزی از شوهر ندارد.

خروج زوجه از خانه بدون اجازه شوهر

345. تا وقتی دختر در خانه پدر زندگی می کند خروج او از خانه پدر منوط به اجازه شوهر نیست.

ازدواج با مجهول المذهب

346. اگر کسی بخواهد با زنی ازدواج کند و نمی داند چه دینی دارد چنانچه ظاهر حال و قرائن شهادت می دهد که از کسانی است که ازدواج با او جایز است، سؤال کردن واجب نیست و در غیر این صورت سؤال کردن واجب است.

ولدالزنا

347. ولدالزنا حق حیات و حق تربیت و نفقه تا رسیدن به حدّ خودکفایی دارد و در عین حال احکام خاص ولد حلال درباره او مترتب نیست.

محرم شدن فرزند خوانده

348. انسان می تواند در صورت وجود مصلحت با اذن حاکم شرع، دختری را که به عنوان فرزند خوانده قبول کرده است به عقد موقت (مثلاً دو ساعته) پدر خود درآورد، که در این صورت این دختر برای همیشه به او محرم خواهد شد.

طلاق زن های بلاتکلیف

349. اگر زوج، غائب است یا بین زن و شوهر اختلاف وجود دارد و شوهر، راضی به طلاق نیست و ادامه ی این زندگی موجب عسر و حرج و مضیقه است و زن نمی تواند این شرایط را تحمل نماید، می تواند به محاکم قضایی مراجعه کند تا پس از بررسی و احراز موضوع، صیغه طلاق را جاری نمایند.

میزان عدّه زنی که در زمان عدّه عقد موقت مجدداً صیغه شود

350. زنی که صیغه موقت مردی شد می تواند در ایام عدّه دوباره صیغه او شود، ولی در پایان مدت صیغه دوم - اگرچه دخولی صورت نگرفته باشد - باید به خاطر دخول در زمان صیغه اول، مجدداً يك عدّه کامل نگه دارد و آن مقدار از عدّه که قبل از صیغه دوم سپری شده است محاسبه نمی شود.

احکام نگاه، پوشش و معاشرت با نامحرم

نگاه به زن نامحرم

351. نگاه به زن نامحرم جایز نیست مگر به صورت و دست‌ها تا مچ در صورتی که زینت و آرایش نشده باشد، بدون قصد لذت و ربه.

نگاه زن به مرد نامحرم

352. نگاه به سر و صورت و گردن و دست‌ها تا جایی که معمولاً نمی‌پوشانند بدون قصد لذت و ربه اشکال ندارد.

نگاه زن به بچه ممیّز و پوشش در مقابل او

353. اگر بچه‌ی ممیّز، به مرحله‌ای رسیده که نگاه کردن به او یا نگاه او به زن، موجب تهییج شهوت می‌شود، نگاه زن به بدن او جایز نیست و باید خود را نزد او بپوشاند.

نگاه به فیلم و عکس نامحرم

354. نگاه به فیلم و عکس نامحرم به قصد لذت و ربه حرام است و بدون قصد لذت اگر ایشان را شناسد و مستلزم مفسده‌ای نباشد اشکال ندارد.

مقدار مجاز نگاه کردن در ازدواج

355. کسی که می‌خواهد با زنی ازدواج نماید برای اطلاع و آگاهی از او می‌تواند به صورت، دست، مو و محاسن او بدون قصد لذت نگاه کند - اگر چه قهراً لذت حاصل شود - مشروط بر اینکه اولاً اطلاع و آگاهی قبلی نداشته باشد و ثانیاً علم نداشته باشد که به او جواب ردّ می‌دهند.

دیدن تصویر برهنه

356. نگاه کردن به فیلم‌ها و تصاویر، حکم نگاه کردن به اجنبی را ندارد و در صورتی که از روی شهوت و ربه نباشد و مفسده‌ای هم بر آن مترتب نشود، شرعاً اشکال ندارد، ولی با توجه به اینکه دیدن تصویر برهنه‌ای که شهوت برانگیز است، غالباً از روی شهوت بوده و به همین دلیل مقدمه ارتکاب گناه می‌باشد، حرام است.

مشاهده کشتی مردان توسط زنان

357. مشاهده کشتی مردان توسط زنان اگر به صورت حضوری در میدان کشتی باشد و یا آن را به‌طور زنده و مستقیم از تلویزیون ببینند (بنا بر احتیاط واجب) و یا به قصد لذت و ربه بوده و یا در آن خوف ارتکاب گناه و فساد وجود داشته باشد، جایز نیست و در غیر این صورت اشکال ندارد.

نگاه به فیلم و تصویر اعضای بدن

358. نگاه کردن به فیلم و تصویر اعضای بدن انسان فی نفسه اشکال ندارد به شرط اینکه به قصد لذت نبوده و خوف ارتکاب حرام هم وجود نداشته باشد. ولی نگاه به فیلم یا عکس عورت دیگران خالی از اشکال نیست.

تخیل شهوت‌انگیز

359. تخیل همسر به قصد تحریک شهوت اگر حرامی مانند انزال بر آن مترتب نشود، مانعی ندارد ولی احتیاط در ترک تخیل زن

اجنبی به قصد مذکور می‌باشد.

خلوت با نامحرم

360. اگر مرد و زن نامحرم در محل خلوتی باشند که کسی در آنجا نباشد و دیگری هم نمی‌تواند وارد شود، چنانچه بترسند که به حرام بیفتند باید از آنجا بیرون بروند.

تحصیل در دانشگاه مختلط

361. وارد شدن به مراکز آموزشی مختلط برای تعلیم و تعلم اشکال ندارد، ولی بر زنان و دختران حفظ حجاب واجب است و بر مردان هم واجب است از نگاه حرام خودداری نموده و همچنین از اختلاطی که موجب خوف فتنه و فساد است، اجتناب شود.

آموختن رانندگی زنان با راهنمایی مردان

362. آموختن رانندگی با کمک و راهنمایی مرد اجنبی در صورتی که با مواظبت بر حجاب و عفاف و اطمینان به عدم وقوع در مفاسد همراه باشد، اشکال ندارد، ولی درعین حال شایسته است که یکی از محارم وی همراه او باشد، بلکه اولی این است که آموزش رانندگی به کمک مربی زن یا یکی از محارم صورت بگیرد.

حجاب زن

363. زنان باید تمام سر و بدن خود را به جز صورت و دست‌ها تا مچ که زینت و آرایش نشده باشد با لباسی که توجه نامحرم را جلب نکند، بپوشانند.

364. پوشیدن چیزی که از جهت رنگ یا شکل و یا نحوه پوشیدن باعث جلب توجه اجنبی شود و موجب فساد و ارتکاب حرام گردد، جایز نیست.

حجاب با کلاه گیس

365. استفاده از کلاه گیس برای حجاب مجزی نیست.

زینت بانوان

366. استفاده زنان از زیورآلات و زینت و آرایش نمودن خود، اشکال ندارد، لکن باید از نامحرم پوشانده شود.

پوشاندن زینت و آرایش بانوان

367. زینت و زیور زنان مثل حلقه نامزدی یا آرایش معمولی ابروها، در صورتی که عرفاً زینت محسوب شود باید از نگاه نامحرم پوشانیده شود.

پوشش مردان

368. بر مردان پوشاندن سر و گردن و صورت و دست‌ها تا جایی که معمولاً نمی‌پوشانند لازم نیست.

369. بر مرد پوشاندن بیش از عورتین واجب نیست لیکن اگر بداند که زنان نامحرم به بدن او نگاه می‌کنند، احتیاط واجب در پوشاندن ماسوای مقدار متعارف که پوشاندن آن بین مردان لازم نیست، می‌باشد.

پوشیدن لباس آستین کوتاه

370. پوشیدن لباس آستین کوتاه برای مرد اگر مستلزم مفسده باشد، جایز نیست.

استفاده زن و مرد از لباس یکدیگر

371. استفاده زن و مرد از لباس، کفش و دمپایی یکدیگر اگر مختص جنس خاص باشد، بنابر احتیاط واجب جایز نیست، ولی

استفاده‌های محدود به نحوی که آن را زیّ خود قرار ندهند، اشکال ندارد.

احکام پزشکی

استفاده از عورت مصنوعی در آموزش پزشکی

372. آلت و عورت مصنوعی حکم عورت واقعی را ندارد و نگاه کردن و لمس آنها اشکال ندارد مگر آنکه به قصد ریبه بوده و یا موجب تحریک شهوت گردد.

لمس و نگاه حرام در حین آموزش پزشکی

373. تحصیل و فراگیری علم پزشکی از طریق معایناتی که فی نفسه حرام هستند در مواردی که یاد گرفتن این علم و شناخت راههای درمان بیماریها متوقف بر آن باشد، اشکال ندارد مشروط به اینکه دانشجو اطمینان داشته باشد که توانائی نجات جان انسانها در آینده متوقف بر اطلاعاتی است که از این طریق به دست می‌آید و همچنین مطمئن باشد که در آینده در معرض مراجعه بیماران بوده و مسؤولیت جان آنان را بر عهده خواهد داشت.

374. مجرد این که معاینه پزشکی نامحرم، از برنامه های آموزشی و یا از تکالیف استاد به دانشجو است، مجوز شرعی برای ارتکاب امر خلاف شرع نمی شود، بلکه ملاک جواز، فقط نیاز آموزشی برای نجات جان انسان و یا اقتضاء ضرورت می باشد.

رجوع به پزشک غیر همجنس

375. اگر معالجه مستلزم لمس و نگاه حرام باشد با امکان رجوع به پزشک همجنس، رجوع به غیر همجنس جایز نیست.

جراحی زیبایی

376. جراحی زیبایی فی نفسه اشکال ندارد.

پوشاندن بینی بعد از جراحی زیبایی

377. کسی که عمل زیبایی روی بینی انجام داده پوشاندن آن واجب نیست.

تاتو کردن ابرو

378. تاتو کردن ابرو برای زنان مانع ندارد، ولی اگر در نظر عرف زینت محسوب می‌شود باید از نامحرم بپوشانند.

جلوگیری از بچه‌دار شدن

379. جلوگیری از بچه‌دار شدن فی نفسه منعی ندارد و در زنان باید با اجازه شوهر باشد، لکن از لمس و نگاه حرام باید اجتناب شود.

جلوگیری دائمی از باردار شدن

380. جلوگیری دائمی از بارداری برای زنی که از خطر بارداری خوف دارد جایز است بلکه اگر حاملگی برای حیات مادر خطر داشته باشد، باردار شدن به طور اختیاری جایز نیست. و نیز اگر جلوگیری دائمی با یک غرض عقلایی - مثل اینکه زنی است که زمینه مساعدی برای به دنیا آوردن فرزند معیوب دارد - صورت بگیرد و ضرر قابل توجهی هم نداشته باشد و با اجازه شوهر باشد، اشکال ندارد.

بستن لوله‌های منی مرد

381. اگر بستن لوله‌های منی مرد با یک غرض عقلایی صورت بگیرد و ضرر قابل ملاحظه‌ای هم نداشته باشد، فی نفسه اشکال ندارد.

سقط جنین

382. سقط جنین شرعاً حرام است مگر آنکه استمرار حاملگی برای حیات مادر خطرناک باشد که در این صورت سقط جنین قبل از ولوج روح، اشکال ندارد، ولی بعد از دمیدن روح جایز نیست حتی اگر ادامه حاملگی برای حیات مادر خطرناک باشد، البته اگر استمرار بارداری، حیات مادر و جنین هر دو را تهدید کند و نجات زندگی طفل به هیچ وجه ممکن نباشد ولی نجات زندگی مادر به تنهایی با سقط جنین امکان داشته باشد، سقط جنین جایز است.

سقط جنینی که بیماری‌های خطرناک دارد

383. اگر تشخیص بیماری‌های خطرناک در جنین قطعی است و داشتن و نگهداشتن جنین فرزندی موجب حرج می‌باشد، در این صورت جایز است قبل از دمیده شدن روح، جنین را اسقاط کنند ولی بنا بر احتیاط، دیه آن باید پرداخت شود.

تشریح جسد میت

384. اگر نجات نفس محترمی یا کشف مطالب جدید علم پزشکی که مورد نیاز جامعه است و یا دستیابی به اطلاعاتی راجع به بیماری‌هایی که زندگی مردم را تهدید می‌کند، منوط به تشریح جسد میت باشد، این عمل اشکال ندارد، ولی واجب است تا حد امکان از جسد میت مسلمان استفاده نشود، و اجزائی هم که از جسد فرد مسلمان جدا می‌شوند در صورتی که دفن آنها با جسد، حرج یا محذوری نداشته باشد واجب است با خود جسد دفن شود در غیر این صورت دفن آنها به‌طور جداگانه یا همراه با میت دیگر جایز است.

تلقیح مصنوعی

385. تلقیح آزمایشگاهی اسپرم و تخمک زن و شوهر فی نفسه اشکالی ندارد، و کودک نیز ملحق به آنها می‌باشد، ولی واجب است از مقدمات حرام مانند لمس و نظر اجتناب شود.

386. تلقیح زن از طریق نطفه مرد اجنبی فی نفسه اشکال ندارد ولی باید از مقدمات حرام از قبیل نگاه و لمس حرام و غیر آنها اجتناب شود و به هر حال در صورتی که با این روش کودکی به دنیا بیاید، ملحق به شوهر آن زن نمی‌شود بلکه ملحق به صاحب نطفه و به زنی است که صاحب رحم و تخمک است.

387. اگر اسپرم غیرشوهر با تخمک غیرزوجه در رحم زوجه قرار گیرد جنین پدید آمده به صاحب اسپرم و تخمک تعلق دارد و فرزند نسبی این زن و شوهر نیست و از آنان ارث نمی‌برد و از نظر محرم و نامحرمی باید احتیاط کنند، ولی اگر پس از وضع حمل از صاحب رحم شیر بخورد - با شرایط رضاع - به او محرم می‌شود.

388. اگر مردی، همسرش قدرت تخمک‌گذاری ندارد، جایز است اسپرم خود را با تخمک زن اجنبی در خارج از رحم تلقیح مصنوعی کند و سپس نطفه لقاح یافته را به رحم همسر خود منتقل کند به شرط اینکه از مقدمات حرام اجتناب شود، و کودکی که از این راه متولد می‌شود ملحق به صاحب اسپرم و تخمک می‌باشد و الحاق آن به صاحب رحم مشکل می‌باشد لذا باید نسبت به احکام شرعی مربوط به نسب، احتیاط رعایت شود.

پیوند اعضای حیوان به بدن انسان

389. پیوند اعضای حیوان به بدن انسان مانع ندارد ولی نماز خواندن با آن اشکال دارد مگر اینکه از قبیل چیزهایی باشد که دارای حیات است که با پیوند آن به بدن انسان حیات پیدا کند و جزو بدن انسان گردد و یا از حیوان حلال گوشت مذکی استفاده شده باشد.

فروش خون

390. فروش خون اگر به قصد عقلایی مشروع باشد، اشکال ندارد.

فروش اعضای بدن

391. اگر برداشتن اعضای بدن موجب ضرر معتنا به نباشد، فروش آنها اشکال ندارد به خصوص اگر نجات نفس محترمی متوقف بر آن باشد.

تداوی با محرّمات

392. اگر به گفته‌ی طبیب حاذق ثقه، معالجه متوقف بر استفاده از محرّمات باشد، اشکال ندارد.

تداوی با خمر

393. معالجه با شراب و سایر مُسکرات در صورتی که یقین داشته باشد بیماری قابل علاج بوده و علاج هم منحصر در استعمال آن است و عدم استعمال منجر به مرگ یا چیزی نزدیک آن می‌شود، به مقدار رفع ضرورت جایز است.

استمنا برای آزمایش و معالجه

394. عمل استمنا در مقام معالجه، در صورتی که درمان، متوقف بر آن باشد و استمنا به وسیله همسر ممکن نباشد، اشکال ندارد، ولی برای تشخیص قدرت بر بچه‌دار شدن استمنا جایز نیست مگر ضرورتی ایجاب کند.

احکام ذبح و صید

ذبیحه اهل تسنن

395. ذبیحه سنی اگرچه بعضی از فقهای آنان رو به قبله بودن را شرط نمی‌دانند حلال است و اخلاص به استقبال ذبیحه از روی جهل، مضرّ به حلیّت نیست.

ذبح حیوانات با دستگاه‌های جدید

396. در ذبح حیوانات علاوه بر لزوم مراعات شرایط ذبح اسلامی، شرط است ذبح به ذابح مستند باشد به این گونه که او حیوان را آماده کند برای سر بریدن و کارد ماشینی را به گلوئی حیوان بکشد، اما اگر به این گونه باشد که حیوان را به تدریج از مقابل کارد ماشینی می‌گذرانند، کفایت نمی‌کند.

تکرار «بسم الله» هنگام ذبح مرغ با دستگاه

397. برای آن دسته از مرغ‌ها که بعد از گفتن «بسم الله»، توسط دستگاه با هم ذبح می‌شوند گفتن يك «بسم الله» کفایت می‌کند و برای دسته بعدی که فرصت گفتن «بسم الله» می‌باشد باید «بسم الله» تکرار شود.

تخلیه آب استخر به نیت صید ماهی

398. اگر به نیت صید، دریچه استخر پرورش ماهی را باز کنند تا آب آن کاملاً تخلیه شود و در همان حال ماهی‌ها جان بدهند، صید محسوب شده و ماهی‌ها تذکیر شده‌اند.

ماهی مرده در شکم ماهی صید شده

399. اگر از شکم ماهی صید شده ماهی‌های مرده خارج شود و ندانیم که آیا موقع صید در شکم ماهی زنده بوده‌اند یا اینکه قبلاً مرده‌اند باید از خوردن آنها اجتناب کرد.

خوردن ماهی زنده

400. اگر ماهی از نوع حلال آن باشد، خوردن زنده آن اشکال ندارد.

تشخیص فلس‌دار بودن ماهی و شک در فلس

401. تشخیص فلس‌دار بودن ماهی با خود مکلف است. و اطمینان حاصل از گفته کارشناس نیز کفایت می‌کند و در مورد شک در فلس‌دار بودن، خوردن آن مانع ندارد.

اعضاء حلال و حرام ماهی

402. از ماهی آنچه که بنا بر احتیاط حرام است خون و کثافات آن است و بقیه اعضای آن حلال است.

احکام خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها

قرص‌های مخمر آبجو

403. مصرف قرص مخمر آبجو اگر مسکر نباشد، مانع ندارد.

حق‌المارّه

404. اگر فردی در مسیر خود به درخت میوه‌ای در جاده برخورد کند و یا شاخه‌های درخت از باغی بیرون آمده باشد، می‌تواند از میوه‌های مذکور استفاده کند مشروط به اینکه: اولاً به قصد استفاده از میوه به آن مسیر نرفته باشد و ثانیاً به درخت آسیب نرسانده و شاخه‌های آن را نشکند و ثالثاً همانجا میوه را خورده و با خود همراه نبرد.

ژلاتین از کشور غیر مسلمان

405. خوردن غذا و خوراکی که حاوی ماده ژلاتین است جایز است به شرطی که احراز شود این ماده از استخوان گاو و یا حیوان حلال گوشت دیگری گرفته شده است.

ژلاتین مشکوک

406. تبدیل مواد حیوانی حلال گوشت یا حرام گوشت به ژلاتین، استحاله نیست، ولی اگر ژلاتین دارای قسم حلال و حرام باشد و انسان نداند از کدام قسم است، محکوم به حلیت است.

احکام وقف و حبس

وقف معاطاتی

407. انشاء لفظی در وقف، شرط نیست زیرا تحقق آن به معاطات هم ممکن است و همچنین در انشاء وقف به لفظ، عربی بودن صیغه آن شرط نیست.

موقوفه غیر مسلمان

408. در مواردی که وقف از مسلمان صحیح است از غیر مسلمان - اعم از کتابی و غیر کتابی - هم صحیح است، لذا عمل به شرایط واقف بر متولی موقوفه واجب است.

حبس غیردائم

409. اگر شخصی زمین خود را طبق موازین شرعی برای مدت معینی حبس کرده باشد، حبس محکوم به صحت است و آثار شرعی آن بر زمین مترتب می شود و ملک بعد از انقضاء مدت حبس به حبس کننده برمی گردد و مانند سایر املاک اوست.

کیفیت وقف مسجد

410. مجرد ساختن ساختمان به نیت مسجد، بدون انشاء صیغه وقف و بدون تحویل آن به نمازگزاران برای خواندن نماز، برای تحقق وقف و تمامیت آن کافی نیست، بلکه در ملک مالک باقی می ماند و او حق دارد هر تصرفی که می خواهد در آن بکند.

کیفیت وقف لوازم حسینیة

411. مجرد جمع آوری مال برای خرید لوازم برای حسینیة، وقف محسوب نمی شود، ولی بعد از خریدن لوازم حسینیة با آن اموال و قراردادن آن ها در حسینیة برای استفاده، وقف معاطاتی محقق می شود و نیازی به اجرای صیغه وقف ندارد.

استفاده از امکانات مسجد در مجالس

412. جواز استفاده از امکانات مسجد در مجالس فاتحه و امثال آن منوط به کیفیت وقف و نذر آن امکانات برای مسجد است.

استفاده شخصی از آب و برق مسجد

413. استفاده از برق مسجد برای کارهای شخصی جایز نیست اگرچه مصرف کنندگان، پول مصرف برق و حتی بیشتر از آن را به مسئولین مسجد بپردازند و نیز برای مسئولین مسجد هم جایز نیست اجازه چنین استفاده هایی را بدهند.

فروش اموال وقفی مسجد

414. اگر استفاده از اموال وقفی مسجدی در همان مسجد به هیچ وجه امکان ندارد، در مسجد دیگر بهره برداری کنند و اگر آن هم امکان ندارد، در مصالح عامه از آن استفاده نمایند و اگر بهره برداری از آن ممکن نیست مگر به فروش آن، می توانند بفروشند و پول آن را به همان نحو و ترتیب که گفته شد مصرف کنند.

مصرف پول مسجد

415. موارد آن مختلف است، اگر منظور از پول مسجد کمک های مردمی است باید این پول در همان راهی که برای آن پرداخت شده مصرف شود و صرف آن در موارد دیگر بستگی به رضایت اهدا کنندگان دارد که اگر احراز شود آنان راضی به این مخارج هستند اشکال ندارد. و اگر منظور از درآمد مسجد، درآمد موقوفات است باید در همان اموری که در وقف نامه آمده مصرف گردد.

تغییر وقف

416. وقف، قابل خرید و فروش و تغییر و تبدیل نیست جز در موارد خاص و از موقوفه باید در همان جهت وقف استفاده شود.

اجرت متولی وقف

417. متولی وقف اعم از این که از طرف واقف نصب شده باشد و یا از طرف حاکم، در صورتی که اجرت خاصی از طرف واقف برای او در برابر اداره امور وقف معین نشده باشد، می تواند اجرت‌المثل را از درآمدهای وقف برای خودش بردارد.

استمرار ولایت متولی وقف

418. اگر شخصی از طرف مرجعی به عنوان متولی بر وقفی گمارده شد پس از فوت آن مرجع بر تولیت خود باقی است، ولی اگر تنها به عنوان وکیل مرجع یا وکیل وکیل مرجع، مسئول اداره شئونات وقف بوده، پس از فوت مرجع و یا عزل وکیل اول، وکالت او باطل می شود.

احکام نذر، عهد و قسم

نذر روزه در سفر

419. بنا بر احتیاط واجب انسان نمی‌تواند در حال سفر نذر روزه کند، ولی می‌تواند قبل از مسافرت نذر کند که در سفر روزه بگیرد.

انحلال نذر

420. اگر نذر کند در صورت سیگار کشیدن برای هر نخ سیگار چهار رکعت نماز بخواند نذرش منحل می‌شود به نذورات عدیده به عدد دفعات سیگار کشیدن و با مخالفت اول نذر منحل نمی‌شود بلکه به قوت خود برای دفعات بعدی باقی است.

وصیت و احکام بعد از مرگ

غسل جبیره میّت

421. درباره میت غسل جبیره نیست و اگر نشود او را غسل معمولی داد باید به جای غسل، تیمم داده شود.

تصرف در اموال میّت نسبت به سهم صغیر

422. جواز تصرف در اموال میت نسبت به سهم ورثه صغیر، متوقف بر اذن قیّم شرعی آنها می باشد.

تجهیز میّت در خانهاش با وجود وارث صغیر

423. تصرفات مورد نیاز از قبیل غسل و کفن و دفن به مقدار متعارف در خانه میتی که وارث صغیر دارد، مانع ندارد و نیاز به اذن ولی صغیر نیست.

وصیت کردن

424. اگر ودیعه ها و امانت های دیگران نزد شخصی باشد و نیز اگر حق الناس یا حق الله تعالی بر عهده او باشد و در دوران حیات توانایی ادای آن را نداشته باشد، بر وی واجب است در مورد آنها وصیت کند. و در غیر این صورت وصیت کردن واجب نیست.

خرید قبر

425. اگر مکان قبر، ملک شرعی دیگری باشد خریدن آن اشکال ندارد ولی اگر جزیی از زمینی باشد که وقف برای دفن اموات مؤمنین است، خرید و نگهداری آن برای خود انسان، صحیح نیست.

ساخت مسجد در قبرستان متروکه

426. ساختن مسجد در قبرستان متروکه ای که زمین آن وقفی نباشد و ملک خصوصی کسی نبوده و همچنین از مکان های عمومی و مورد نیاز و استفاده اهالی در مناسبت ها نیز نباشد و ساخت مسجد هم در آن موجب هتک یا نبش قبرهای مسلمانان نشود، اشکال ندارد.

تغییر قبرستان

427. تغییر و تبدیل قبرستان مسلمین که برای دفن اموات مسلمین وقف شده در صورتی که قابل استفاده در جهت وقف باشد، جایز نیست.

دفن استخوان میت

428. استخوان میّت مسلمان که به جهت کندن نهر و امثال آن از زمین خارج شده، واجب است مجدداً دفن شود.

مسائل فرهنگی و اجتماعی

تعریف غیبت

429. غیبت آن است که پشت سر مسلمان عیب مستور او (امری که مستور عرفی است) گفته شود، مشروط به اینکه به قصد تنقیص باشد، یا در نزد عرف تنقیص به حساب آید.

اذن غیبت شونده به غیبت از او

430. اذن غیبت شونده در غیبت کردن او اعتباری ندارد و در این صورت نیز غیبت او جایز نیست.

ذکر ظلم بعضی از مسئولین

431. گزارش دادن ظلم مسئولین به مراکز و مراجع مسئول برای پیگیری و تعقیب، بعد از تحقیق و اطمینان نسبت به آن اشکال ندارد و حتی اگر از مقدمات نهی از منکر محسوب شود واجب می گردد، ولی بیان آن در برابر مردم وجهی ندارد، بلکه اگر موجب فتنه و فساد و تضعیف دولت اسلامی شود حرام است.

قطع رحم

432. قطع رحم، حرام است ولی صله‌ی رحم منحصر در دید و بازدید نیست بلکه از طرق دیگر مانند تلفن، نامه و امثال آن نیز محقق می‌شود.

قطع رحم با خویشاوند معصیت‌کار

433. قطع رحم با خویشاوند معصیت‌کار جایز نیست مگر اینکه احتمال داده شود که ترک معاشرت با او موقتاً موجب خودداری او از گناه می‌شود که در این صورت به عنوان نهی از منکر، قطع رحم واجب می‌گردد.

کمک به متکذبان

434. اگر کمک به متکذبان، ترویج دروغ، بیکاری و تکذبی‌گری و تخلف از قانون باشد باید از آن اجتناب شود. انسان می‌تواند به مؤسسات مورد اطمینانی که در این زمینه فعال هستند کمک کند.

سیگار کشیدن

435. حکم قلیان یا سیگار کشیدن تابع میزان ضرر آن است. اگر دارای ضرر قابل ملاحظه‌ای باشد یا موجب اذیت و آزار دیگران گردد یا خلاف قانون باشد، جایز نیست.

امر و نهی زبانی

436. با وجود شرایط و حفظ مراتب، وظیفه همگانی امر به معروف و نهی منکر زبانی می‌باشد. و مراتب بالاتر از آن موکول است به مسئولین مربوطه.

امر و نهی با احتمال ضرر

437. هر جا خوف آن باشد که در اثر امر به معروف یا نهی از منکر ضرر قابل ملاحظه‌ای متوجه انسان شود، انجام آن واجب نیست.

جواب سلام

438. جواب سلام اشخاص بالغ و کودکان ممیّز واجب است.

عیدالزهراء

439. هرگونه گفتار یا کردار و رفتاری که در زمان حاضر سوژه و بهانه به دست دشمن بدهد و یا موجب اختلاف و تفرقه بین مسلمین شود شرعاً حرام مؤکد است.

کف زدن در مجالس مذهبی

440. به طور کلی کف زدن فی نفسه به نحو متعارف در جشن‌های اعیاد یا برای تشویق و تأیید و مانند آن اشکال ندارد، ولی بهتر است فضای مجالس دینی به خصوص مراسمی که در مساجد و حسینیه‌ها و نمازخانه‌ها برگزار می‌شود، به ذکر صلوات و تکبیر معطر گردد تا انسان به ثواب آنها برسد.

عید نوروز

441. هرچند نصّ معتبری مبنی بر اینکه عید نوروز از اعیاد دینی یا ایام مبارک شرعی باشد، وارد نشده است، ولی جشن گرفتن و دید و بازدید در آن روز، اشکال ندارد، بلکه از این جهت که صله رحم می‌باشد مستحسن است.

عزاداری

442. عزاداری به شیوه مرسوم و سنتی اشکال ندارد بلکه مُستحسن است، لکن از هرگونه کاری که موجب وهن مذهب باشد پرهیز شود.

تعزیه و شبیه‌خوانی

443. تعزیه و شبیه‌خوانی اگر مشتمل بر دروغ و وهن مذهب نباشد، اشکال ندارد لکن بهتر است به جای آن مجالس وعظ و خطابه برپا شود.

پوشیدن لباس مشکی در عزای اهل بیت (علیهم السلام)

444. کراهت آن ثابت نیست، بلکه اگر برای تعظیم شعائر باشد دارای اجر و ثواب نیز خواهد بود.

ابزار موسیقی در عزا

445. استفاده از آلات موسیقی، مناسب با عزاداری سالار شهیدان (علیه السلام) نیست و شایسته است مراسم عزاداری، به همان صورت متعارفی که از قدیم متداول بوده، برگزار شود. البته استفاده از طبل و سنج به نحو متعارف، اشکال ندارد.

استفاده از علم در عزاداری

446. استفاده از علم در عزاداری سیدالشهداء (علیه السلام) فی‌نفسه اشکال ندارد ولی نباید این امور جزء دین شمرده شوند.

قمه‌زنی

447. الف) قمه زنی مطلقاً جایز نیست.

ب) قمه‌زنی علاوه بر اینکه از نظر عرفی از مظاهر حزن و اندوه محسوب نمی‌شود و سابقه‌ای در عصر ائمه (علیهم السلام) و زمان‌های بعد از آن ندارد و تأییدی هم به شکل خاص یا عام از معصومین (علیهم السلام) در مورد آن نرسیده است، در زمان حاضر موجب وهن و بدنام شدن مذهب می‌شود، بنابراین در هیچ حالتی جایز نیست.

نقل مطالب بی‌مأخذ در عزاداری

448. نقل مطالب و وقایع در عزاداری‌ها بدون اینکه مستند به روایتی باشد و یا در تاریخ ثابت شده باشد، وجه شرعی ندارد مگر آنکه نقل آن به عنوان بیان حال به حسب برداشت متکلم بوده و علم به خلاف بودن آن، نداشته باشد.

غلو در مداحی

449. گفتن جملات غلوآمیز جایز نیست و باید از ترویج مداحانی که اهل غلو هستند و نیز جلسات آنها پرهیز شود.

استفاده از روزنامه‌های حاوی اسماء متبرکه

450. استفاده از روزنامه‌هایی که دارای آیات قرآنی و کلمات مقدسه است در اموری مثل سفره قرار دادن و نشستن بر آنها و یا انداختن در سطل زباله در صورتی که از نظر عرف، بی‌احترامی شمرده شود، جایز نیست.

راه‌های محو اسماء متبرکه

451. دفن اسماء مبارک و آیات قرآنی یا تبدیل آنها به خمیر به وسیله آب، هنگام نیاز اشکال ندارد، ولی جواز سوزاندن آنها مشکل است و اگر بی‌احترامی محسوب شود، جایز نیست، و نیز تقطیع آنها اگر بی‌احترامی محسوب شود، جایز نیست و در غیر این صورت نیز اگر تقطیع، موجب محو نوشته جلاله و آیات قرآنی نشود، کافی نیست.

تمثال معصومین (علیهم السلام)

452. انتساب این عکسها به حضرات معصومین (علیهم السلام) ثابت نیست، اگر چه هتک حرمت هم جایز نیست.

تراشیدن ریش

453. تراشیدن ریش و ماشین‌کردنی که مانند تراشیدن باشد، بنا بر احتیاط واجب جایز نیست.

ریش پرفسوری

454. تراشیدن مقداری از ریش حکم تراشیدن تمام آن را دارد و بنا بر احتیاط حرام است.

اجرت تراشیدن ریش

455. بنا بر احتیاط، گرفتن اجرت در برابر تراشیدن ریش، حرام است.

تعریف موسیقی و غناء حرام

456. هر نوع خوانندگی و نوازندگی که انسان را از خداوند متعال و معنویات و فضائل اخلاقی دور نموده و به سمت بی‌بندوباری، بیهودگی و گناه و شهوترانی سوق دهد لهوی مصل عن سبیل الله بوده و حرام می‌باشد.

ملاک حرمت موسیقی

457. هر موسیقی که به حسب طبیعت خود از نوع موسیقی لهوی مصل عن سبیل الله باشد، حرام است اعم از اینکه مهیج باشد یا نباشد و موجب ایجاد حزن و اندوه و حالات دیگر در شنونده بشود یا نشود، و در صورتی که موسیقی مناسب با مجالس لهو و گناه نباشد و مفسده ای هم بر آن مترتب نگردد، دلیلی بر حرمت آن وجود ندارد.

غنا در شب زفاف

458. در غنا و موسیقی حرام (که عبارت است از آواز لهوی مصل عن سبیل الله) فرقی بین عروسی و غیر آن نیست.

مارش نظامی و سرود ملی

459. موسیقی ارتشی (مارش نظامی) و موسیقی سرود میهنی و امثال آن از مناسبات میهنی و اجرت گرفتن برای آن اشکال ندارد.

گوش دادن به موسیقی بدون اختیار

460. اگر در جایی موسیقی حرام پخش شود، در صورتی که ترک آن محل یا آن مجلس ممکن نباشد و یا موجب مشقت باشد

انسان باید به آن اعتنا و توجه نکند، اگرچه بی‌اختیار به گوش او برسد.

دف

461. حکم دف، بستگی به چگونگی استفاده از آن دارد، که اگر به نحو لهوی مناسب مجالس عیش و نوش و گناه زده شود، دف زدن حرام است.
و در مجالس و مناسبت‌های مذهبی در هر صورت باید قداست و مقام اهل بیت (علیهم السلام) مراعات شود.

آلات موسیقی

462. استفاده از آلات موسیقی فی‌نفسه برای اجرای سرودهای انقلابی و برنامه‌های دینی و فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی مفید، اشکال ندارد و نیز خرید و فروش آلات نوازندگی و یاد دادن و فراگیری موسیقی برای استفاده در امور مذکور اشکال ندارد.

463. خرید و فروش آلات مشترک برای نواختن موسیقی غیر لهوی اشکال ندارد.

ترویج موسیقی

464. بطور کلی، ترویج موسیقی و تدریس آن و تشکیل کلاس‌های موسیقی، هر چند موسیقی حلال باشد، با اهداف عالی‌ی نظام مقدس جمهوری اسلامی سازگار نیست و بهتر است جوانان عزیز وقت با ارزش خود را صرف یادگیری علوم و فنون لازم و مفید نموده و اوقات فراغت خود را با ورزش و تفریحات سالم، پر نمایند.

موسیقی برای معالجه

465. اگر طبق نظر پزشک متخصص و امین، معالجه بیماری متوقف بر استفاده از موسیقی است، به مقداری که معالجه بیمار اقتضا می‌کند اشکال ندارد.

شنیدن غنا و صدای زن

466. در حرمت شنیدن غنا فرقی بین غنای مرد و غنای زن نیست ولی شنیدن صدای زن اگر غنا نباشد، حرمت شرعی ندارد مگر آن که به قصد ریبه و یا موجب ترتب مفسده باشد ولی شنیدن خوانندگی زن که غالباً مشتمل بر مفسده است جایز نیست.

گوش دادن به غنای همسر

467. گوش دادن به غنای حرام، مطلقاً حرام است حتی اگر غنای همسر باشد.

مداحی بانوان

468. مداحی زن، در جایی که می‌داند نامحرم صدای او را می‌شنود اگر موجب جلب توجه و تهییج نامحرم و یا مفسده دیگری گردد، جایز نیست.

تبدیل صدای مرد به صدای زن

469. اگر مردی صدای خود را تبدیل به صدای زن کند و یا صدای مردی را توسط دستگاهی شبیه صدای زن کنند خالی از اشکال نیست.

رقص

470. رقص مرد بنا بر احتیاط واجب حرام است و رقص زن برای زنان اگر عنوان لهو بر آن صدق کند مثل این که جلسه زنانه تبدیل به مجلس رقص شود، احتیاط واجب در ترک آن است؛ در غیر این صورت هم اگر به گونه‌ای باشد که باعث تحریک شهوت شده و یا مفسده‌ای بر آن مترتب شود و یا همراه با فعل حرام (مانند موسیقی و آواز حرام) باشد یا مرد نامحرمی حضور داشته باشد، حرام است. و در حکم فوق تفاوتی بین مجلس عروسی و غیر آن نیست.

شرکت در مجلس رقص

471. شرکت در مجلس رقص اگر به عنوان تأیید کار حرام دیگران محسوب شود و یا مستلزم کار حرامی باشد، جایز نیست و در غیر این صورت اشکال ندارد و در صورتی که ترک آن مجلس به عنوان اعتراض بر کار حرام، مصداق نهی از منکر محسوب شود، باید از آنجا خارج شود.

رقص زن برای شوهر

472. اگر رقص زن برای شوهر همراه ارتکاب حرامی [مانند موسیقی و آواز حرام] نباشد، اشکال ندارد.

ایجاد مراکز آموزش رقص

473. ایجاد مراکز تعلیم و ترویج رقص با اهداف نظامی اسلامی منافات دارد و به احتیاط واجب جایز نیست.

حضور در مجلس گناه

474. اگر حضور در مجلس گناه موجب ارتکاب گناه و یا تأیید آن باشد یا نهی از منکر متوقف بر خروج از آن مجلس یا شرکت نکردن در آن باشد، باید انسان در آن مجلس شرکت نکند و اگر در آن حضور دارد، آنجا را ترک کند.

شرکت در مراسم خانقاه

475. از زمان بعثت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و عصر ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) تا زمان حاضر، همیشه مسجد پایگاه اقامه‌ی نماز و شعائر دینی و تبلیغ معارف اسلامی بوده و خانقاه، اساس و جایگاهی نداشته است. بنابراین، باید از شرکت در این گونه جلسات و هرگونه عملی که باعث ترویج این گونه مراکز شود، اجتناب گردد.

حضور در مجلس شراب

476. حضور در مجلسی که در آن شراب خورده می شود جایز نیست و در صورت اضطرار واجب است به مقدار ضرورت اکتفا شود.

پوشیدن لباس جنس مخالف و تقلید صدای او در نمایش

477. پوشیدن لباس جنس مخالف و تقلید صدای او هنگام بازیگری و بیان خصوصیات شخص حقیقی، اگر سبب فساد نگردد، اشکال ندارد.

کراوات

478. الف: ترویج فرهنگ اجانب، جایز نیست.

ب: به طور کلی، پوشیدن کراوات و دیگر لباس‌هایی که پوشش و لباس غیر مسلمانان محسوب می‌شوند به طوری که پوشیدن آنها، منجر به ترویج فرهنگ منحنّ غربی شود، جایز نیست.

ترویج فرهنگ بیگانه در پوشش و آرایش

479. پوشیدن لباسهایی که از نظر دوخت یا رنگ یا غیر آن تقلید و ترویج فرهنگ مهاجم غیر مسلمان باشد، جایز نیست. و همین‌طور استفاده از زیورآلاتی که استعمال آن تقلید از فرهنگ دشمنان اسلام و مسلمین محسوب شود، جایز نیست.

ابرو برداشتن و آرایش مردان

480. در صورتی که ابرو برداشتن یا آرایش کردن مردان تشبّه مرد به زن محسوب شود و یا مفسده‌انگیز باشد و یا ترویج فرهنگ مبتذل غرب به حساب آید، جایز نیست.

خالکوبی

481. خالکوبی اگر ضرر معتنابهی نداشته باشد حرام نیست.

مشاهده فیلم‌های توهین‌کننده به مقدّسات جمهوری
482. واجب است از مشاهده فیلم‌هایی که به مقدّسات جمهوری اسلامی اهانت می‌کنند، اجتناب شود.

فیلم و کتاب محرک شهوت
483. خواندن کتاب‌ها و دیدن فیلم‌هایی که محرک شهوت باشد جایز نیست.

دیدن فیلم مبتذل
484. دیدن فیلم‌های مستهجن و حاوی منکرات، موجب تقویت هواهای شیطانی نفس، تضعیف اراده و ایمان و زمینه‌ساز ترتب مفساد و گناهان بوده و به هیچ وجه جایز نیست.

تحریک شهوت با دیدن فیلم‌های جنسی
485. برانگیختن شهوت توسط دیدن فیلم‌های جنسی جایز نیست، حتی برای زن و شوهر.

معیار حرمت قمار
486. به‌طور کلی بازی با هر چیزی که مکلف تشخیص دهد از آلات قمار است و یا در آن شرط بندی شود به هیچ وجه جایز نیست، و بازی با هر وسیله‌ای که جزء آلات قمار به حساب نیاید بدون شرط بندی، اشکال ندارد.

پاسور
487. بازی با ابزار قمار از جمله پاسور، حتی بدون برد و باخت هم حرام است.

شطرنج
488. اگر به تشخیص مکلف، امروزه شطرنج از آلات قمار بودن خارج شده باشد، بازی با آن بدون برد و باخت اشکال ندارد.

بیلیارد
489. بازی با بیلیارد اگر با برد و باخت همراه بوده و یا موجب ترتب مفساد اخلاقی یا اجتماعی و یا همراه با محرّمی از محرّمات الهی باشد، جایز نیست.

بازدید از سایتهای تبلیغاتی و دریافت پول
490. اگر بازدید از سایتهای تبلیغاتی، ترویج فساد از قبیل نشر اکاذیب و ارائه مطالب باطله نباشد و مبلغ دریافتی بعنوان هدیه باشد، بازدید از آنها و دریافت مبلغ مذکور اشکال ندارد.

استفاده از ماهواره
491. آنتن‌های ماهواره‌ای اگرچه حکم آلات مشترک را دارد ولی چون این وسیله برای کسی که آن را در اختیار دارد زمینه دریافت برنامه‌های حرام را کاملاً فراهم می‌کند و گاهی نگهداری آن مفساد دیگری را نیز در بر دارد، خرید و نگهداری آن جایز نیست مگر برای کسی که به خودش مطمئن است که استفاده حرام از آن نمی‌کند و بر تهیه و نگهداری آن در خانه اش مفسده‌ای هم مترتب نمی‌شود. لکن اگر در این مورد قانونی وجود داشته باشد باید مراعات گردد.

نصب و تعمیر آنتن‌های ماهواره‌ای
492. اگر از آنتن ماهواره‌ای برای امور حرام استفاده شود که غالباً همین‌طور است و یا تعمیر کننده و یا نصب کننده علم داشته باشد به اینکه کسی که قصد تهیه آنتن ماهواره‌ای را دارد، برای امور حرام از آن استفاده می‌کند، خرید و فروش و نصب قطعات و راه اندازی و تعمیر و فروش قطعات آن جایز نیست.

سرویس‌دهی کافی‌نت به مشتریان

493. اگر کسی کافی نت داشته باشد با علم به اینکه مشتری از ابزاری که در اختیار او قرار داده می شود استفاده حرام می کند، جایز نیست آن را در اختیار آنها قرار دهد و کسب درآمد از این طریق نیز اشکال دارد ولی در صورت شک در اینکه مشتری از آن بصورت حرام استفاده می کند، اشکال ندارد.